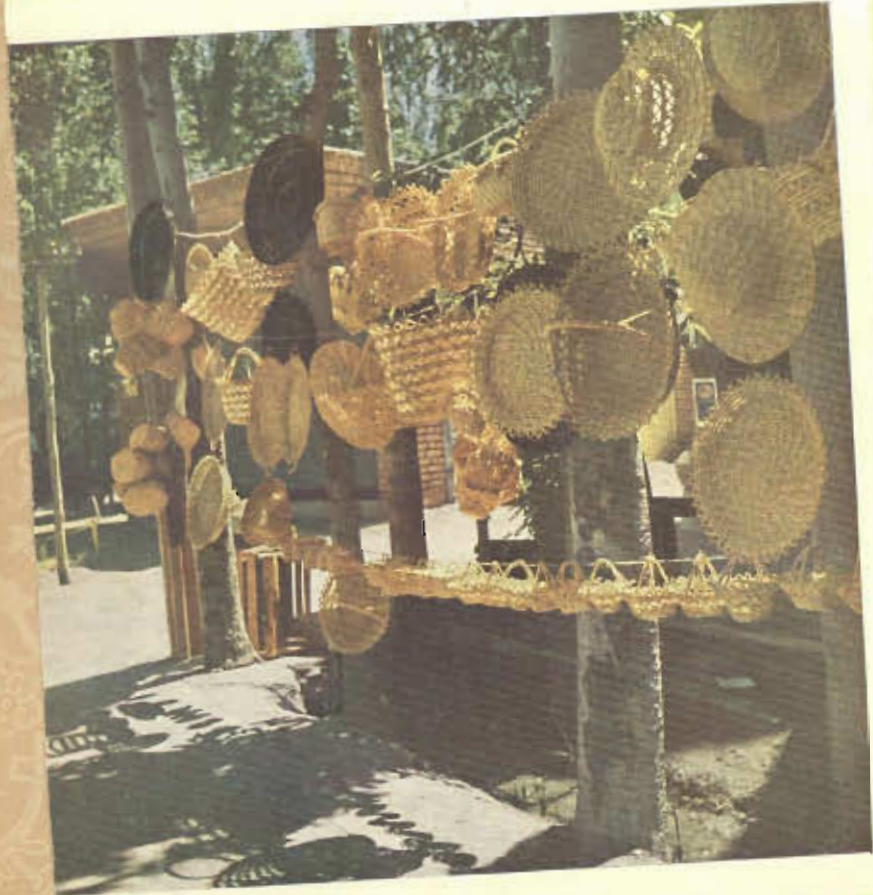


# سُفَاتِ وَهَرَرِه



شماره جهل و سود

بازار تانگه بوم

# بهر و مردم

## از اشارات وزارت فرهنگ و هنر

از دیهشت ماه ۱۳۴۵

دوره جدید - شماره بیست و نهم

در این شماره :

- هفت تپه . . . . . ۴
- آشنایی با مجموعه‌های شخصی . . . . . ۶
- در جستجوی شهرهای گمشده . . . . . ۱۱
- تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران . . . . . ۱۵
- ایل میلان . . . . . ۲۰
- مجسمه‌سازی در سرامیک . . . . . ۳۱
- سکاسی . . . . . ۳۴

مدیر : دکتر ا. خداینده‌ای  
 سردبیر : شادت‌الله خجسته  
 طرح و تنظیم اسنادی بریرانی

نشریه اداره کل روابط فرهنگی

نشانی : خیابان خفوی شماره ۹۸۳ تلفن ۷۱۰۵۷ و ۷۳۰۷۲



روبی جلد : نمونه کارهای شبنم از حسیب

کتابخانه وزارت فرهنگ و هنر

# بهنیسته

جدیدی پیش هیشی مرکب از عدهای از آقابان ستاتورها، نمایندگان مجلس شورای ملی، شخصیتهای برجسته علمی و فرهنگی کشور، استانداریان و فرمانداران کل که در تهران بودند بدعوت جناب آقای پهلوی وزیر فرهنگ و هنر از آثار باستانی و تاریخی هفت تپه در خوزستان دیدن کردند. در این بازدید آثاری از تمدن درختان ایلامی که بوسیله هیشی از باستانشناسان ایرانی بریاست آقای دکتر نگهبان بر اثر یکماه و نیم عملیات حفاری کشف شده است مورد بازدید قرار گرفت.

مدعوین که جمعا ۶۸ نفر بودند همراه با گروهی از خبرنگاران روزنامهها و خبرگزاریهای خارجی و فیلمسازان در ساعت ۷ صبح از فرودگاه مهرآباد حرکت نمودند و در ساعت ۸ صبح وارد فرودگاه وحشی شدند و از آنجا وسیله اتومبیلهایی که از طرف سازمان آب و برق خوزستان قلا آماده شده بود عازم هفت تپه گردیدند.

## درهفت تپه

بر فراز اولین تپه‌ای که در این قسمت حفاری شده بود چادرهای باستانشناسان جوان که مشغول کمانه‌زنی و حفاری بودند بچشم میخورد در اینجا آقای دکتر نگهبان استاد دانشگاه و سرپرست هیئت حفاری بدعنوان خیر مقدم گفت و پس از آن بازدید از آثار تمدن باستانی ایلام آغاز شد.

## آثاری از تمدن ایلام

تمدن باستانی ایلام در جلگه انشان (آتران) و در دامنه کوه‌های شرقی خوزستان پرورش یافت. در تپه‌های قدیم در هزاره سوم قبل از میلاد تنها سه مملکت ایلام و سومر و آکاد شهرت جهانی داشتند و هنوز از تمدن بابل و آشور و ملل گوناگون خاور میانه خبری نبود. بنابراین هر کوششی که برای کشف زندگی این ملل انجام میگردد ارزنده و حائز

اهمیت میباشد. آقای دکتر نگهبان ضمن توضیحاتی که درباره چگونگی کار هیئت و کشفیات حفاری داد اظهار داشت هیئت حفاری ما با اتفاق دوتنر از بازرسان فنی اداره کل باستانشناسی و دوتنر از دانشجویان دانشگاه تهران (رشته باستانشناسی) و دوتنر از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا در قسمت کشف برداری از کلاه و نیم پیش کوشش خود را با توجه به آثار سطحی که روی تپهها قرار داشت برای کشف آثار جدید شروع نموده و دو تپه را از ناحیه هفت تپه و یک تپه بنام ابوقندوا در فاصله دو کیلومتری آن را برای کمانه‌زنی انتخاب نمود. تپه ابوقندوا معرف تمدنهای گوناگون از هفت هزار سال پیش به بعد میباشد و دوتپه دیگر معرف تمدن مردم ایلام است. آرامگاه سلاطین ایلامی مکشوفه در هفت تپه یکی از قدیمیترین نمونه‌های طاق هلالی یعنی شکل در تاریخ معماری بشری است.

در قسمت اول آرامگاه هفت اسکلک کشف شده و بعضی از آنها پوشیده شده است و از قران بر میآید که وقتی این اجساد را بداخل آرامگاه می‌آوردند ابتدا روی سکوی مخصوص ششوی میدادند و بعد بطور منظم مدفون میساختند و روی اجساد را گل ابری میریختند. در قسمت وسط آرامگاه سه اسکلک و در انتهای آن یازده اسکلک دیگر نیز کشف شده است.

## معبد سلاطین

پس اعنای هیئت بنیادار معبدی رفتمند که بوسیله راهرو به آرامگاه متصل میشد. دیوارهای معبد از خشت خام است ولی تمامی سطح دیوارها گلچین شده و پرروی گلچینی وجود داشته است. رئیس هیئت حفاری علمی در هفت تپه ضمن توضیحاتی اظهار داشت که هیئت ضمن خاکبرداری متوجه شد که معبد دو طبقه است و فعلا مشغول خاکبرداری طبقه دوم هستیم و اگر ما بستونی برنجوریم معلوم میشود که این معبد یکی از بزرگترین شاهکارهای معماری جهانست که سنی با چنین وسعت بدون هیچ پایه و ستونی بطور اقصی ساخته شده

هر و هر دم



راست: مقبره ایلامی هفت تپه  
چپ: تراسه B و C حفاری هفت تپه



و قرار دادن آن با بسیاری از سنگنهایی که تاکنون کشف شده متفاوت است.

## سنگ نیسته

در همین جا بود که هیئت باستانشناسان توانستند يك سنگ نیسته بسیار با ارزش پیدا کنند. این سنگ به خط میخی ایلامی نوشته شده و با احتمال قوی سه هزار و پانصد سال قدمت دارد در آینده قرائت این سنگ نیسته پرده از بسیاری نکات مهم تاریخ سوزمین ایلام بر خواهد داشت.

## کاشیهای مداوم

محل هفت تپه یکی از شهرهای مهم ایلامی است و با فاصله

زیرا در شرایط فعلی هم، نگاهداشتن ساختنایی بدین وسعت بدون استفاده از ستون کار مشکلی است.

## معبد خدایان

بعد از بازدید معبد مدعوین به بازدید اطاق دیگری پرداختند که بوسیله دری به معبد متصل میگردد. در این اطاق آثاری از مجسمه‌ها مخصوصا مجسمه خدایان بنست باستانشناسان افتاده است. آقای دکتر نگهبان توضیح داد این اطاق که ایوان معبد بوده دارای سه کف است که بتدریج ساخته شده است. کف اول از آجر پوشیده شده، نشانه کف دوم يك اچاق بزرگ است و در کف سوم که در صدر قرار گرفته چند يك انسان که اسکلک آن باقی مانده کشف گردیده است طرز دفن

هر و هر دم

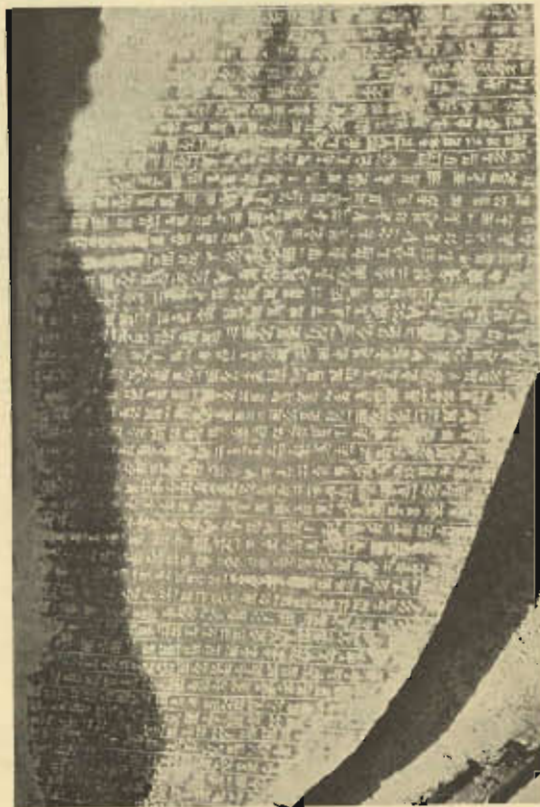
کمی از شهرهای خوش و جهانزیل قرار دارد و بنا به باور کثیری آشور با بابل و بقیه بعضی از استان‌های شمالی محل هست تپه امروزی یا شهر تیکمی یکی است.

با کاوشهای مداوم و وسعت زیاد حفرت به امید فراوان می‌رود که آثار باستانی از اعراق این تپه‌های عظیم که روزی یکی از بهترین مراکز تمدن باستانی این سرزمین گهسال می‌شدند و وزیر هر یک اسراری از هنر و تمدن و فرهنگ قدیم نهفته است با کشف باستان‌شناسان ایرانی و دست و پیکار آنان از باستان‌خانه تاریک خاک‌گرفته و صفحه افتخار آمیزی از تمدن گذشته بر افروختن تاریخ کشور عزیز ما افزوده شود.

## تپه ابوفندوا

سپس مدعوین تپه ابوفندوا رفته و به بازدید از عملیات حفاری آنجا پرداختند. در این تپه عملیات خاکبرداری بصورت شکست‌انگیزی انجام شده و در طبقات این تپه آثار تمدنهای مختلف پست آمده بود.

طبق اظهار آقای دکتر نگهبان در این اولین تمدن بشری که متعلق به سده هزار سال پیش است آثاری پست آمده و سپس به ترتیب آثار تمدنهای دیگر تا عصر ایلامی کشف شده است آثاری که از این تپه پست آمده نشان می‌دهد که هر چگونه با شهر تیکمی و سایر مظاهر تمدن آشنا شده است.



کتیبه ایلامی منگوه در حفرتان تپه هفت تپه

## بیانات وزیر فرهنگ و هنر

پس از بازدید عملیات حفاری هیئت باستان‌شناسان ایرانی که برای همه مدعوین عروزامیز بود کلیه اعضای هیئت و همراهان بمحل مهابت برای حفرت تپه عزیمت نمودند و پس از صرف نهار و استراحت ابتدا آقای مهندس سخون رئیس دانشکده هنرهای زیبا تعدادی اسلاید از آثار باستانی و بناهای تاریخی استان خوزستان را در معرض تماشا برای مدعوین قرار دادند و بعد جناب آقای یهیند وزیر فرهنگ و هنر مطالبی باین شرح ایراد کردند:

امروز همه آقایان نتیجه کاوشی را که در این یکماه و نیم در حفرت تپه انجام شده از نزدیک دیدند و صفحه دیگری از تاریخ ایران باستان در برابر چشمان شما قرار گرفت هنگامیکه وظیفه حفظ آثار باستانی وزارت فرهنگ و هنر محول شد ما در مقابل این مسئله قرار گرفتیم که چگونه بیش از هزار بنای تاریخی را که در این کشور وجود دارد حفظ کنیم. در دیبای تمدن، آثار باستانی با صرف مخارج گران نگهداری میشوند و از هر کدام نشه کاملی تهیه می‌گردد تا چنانچه ویران شود بلافاصله نظیر آنرا بسازند و اگر ما بخواهیم دست بچین عمل بزنیم چقدر کار و زمان می‌خواهد. ما وقتی وارد کاوش می‌شویم تازه

حفرت و نگهداری آثار پست آمده خود وظیفه تازه‌ای را ایجاد میکند. بخصوص اینکه متأسفانه با همه علاقه‌ای که مردم ایران با سرزمین خودشان دارند گاهی بداندسته در اجرای وظیفه ملی و حفظ آثار باستانی کوتاهی میکنند. اخیراً هیئتهای اعزامی ما در آذربایجان غربی ۵۰ تپه تاریخی پیدا کردند که حفرت آنها خود مشکل بزرگی است و همین جهت تسمیر گرفته شده که حفاظت از آثار ملی و باستانی بعهده خود مردم واگذار شود. شاهنشاه آریامهر ریاست سازمان حفظ آثار ملی را تقبل فرمودند و این سازمان از این پس با شرکت خود مردم حفرت آثار تاریخی هر منطقه هست خواهد گذاشت من امیدوارم که تحت ارشاد شاهنشاه و همکاری بی‌دریغ مردم آثار باستانی را که نمایشگر تاریخ و سند افتخار قوم ایرانی است بخواهی نگهداری کنیم.

پس از اظهارات آقای یهیند استاد پور داود بیانات پرشوری در تأیید اقدامات باستان‌شناسان ایرانی ایراد کرده و اهمیت آثار منگوه را در حفرت تپه یادآور شدند مدعوین ساعت ۵ بعد از ظهر بتهران بازگشتند.



مداخل بقیره ایلامی هفت تپه

# آشنایی با مجموعه های شخصی

۱ - ظروف نیشابوری - مجموعه مهندس محسن فروغی      ۲ - کوزه دستدار (نیشابور) - مجموعه مهندس محسن فروغی

۲      ۱



مجموعه آقای مهندس فروغی یکی از خنثی ترین مجموعه های شخصی کشور است و از سالها بدو مال و وقت و توجه و دقت خاص ایشان حکایت میکند. در این مجموعه آثار و اشیاء مختلف و متعددی وجود دارد که بهتر است آنها را طبقه بندی نموده سپس هر دستاورد جداگانه مورد بحث قرار داد و ما در این شماره با نخستین دسته از اشیاء مجموعه مزبور تحت عنوان ظروف سفالی نیشابور آشنا خواهیم شد. جا دارد ضمن ستایش از ذوق آقای مهندس فروغی از هنرکاری و مساعیدی که این هنرمند گرامی در تدوین این مطالب سودمند سیاستگاری شود.

## مطالب کلی درباره ظروف نیشابور

اولین ظروف سفالی بعد از اسلام که شاید در بروج خود بهترین آنها نیز باشد در نیشابور و شهرهای اطراف آن بدست آمده است. از نظر باستانشناسی این ظروف اهمیت خاصی دارد چه در این ظروف است که بیش از سایرین هنر ساسانی

هنرمند



جمع آوری مجموعه های هنری و آثار ساسانی یکی از سرگرمی های مفید گروه نیشابور از مردمان یادوق دیار عرب است. این سرگرمی در انگیزه در کشور ما چنانکه باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است و همین سبب هرساله و شاید هر روز به ناپدید شدن گرانبهای از خزائن آثار هنری و باستانی کشور ما از راه های گوناگون و بیگانهی بنابر ناچیز دیار ما را ترک گفته از موزه ها و مجموعه های شخصی سرزمین های آمریکا و اروپا سردر می آورند.

مجلس هنرمند برای ترویج گردآوری مجموعه های هنری و باستانی درین همیمنان و به منظور تشویق هموطنان یادوق که هم خود را مسرور این امر داشته اند از این پس سفالی را بشرح مجموعه های مجموعه داران ایرانی اختصاص خواهد داد و اینک توجه خوانندگان گرامی را به اولین قسمت از مطالب مزبور که درباره مجموعه هنری آقای مهندس محسن فروغی استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشکده تهران تهیه گردیده است جلب مینماید.

هنرمند



۲



۴

۲ - ظرف نیشابوری - مجموعه هنس محسن فروغی  
۴ - ظروف سفالی نیشابوری - مجموعه هنس محسن فروغی

منتشر خواهد شد.

در میان مجموعه‌های ایران و باستان‌شناسان ظروف نیشابوری طالبان فراوانی دارد و علت این امر را میتوان در مرغوب بودن و تنوع شکل آنها جستجو کرد. تعدادی از این ظروف بندری با مهارت و استادی و ظرافت ساخته شده که بیندرا بر اختیار بتحصین و امیدارد.

نمونه‌های متعددی از ظروف امروزه در اکثر موزه‌های معروف دنیا مخصوصاً موزه‌های فرانسه و انگلستان و آمریکا دیده میشوند و میتوان گفت موزه ایران باستان از نظر داشتن ظروف نیشابوری نسبت ب سایر موزه‌ها غنی‌تر است. در مورد بکار بردن این ظروف تاکنون بحث‌های زیادی شده، عده‌ای معتقدند که این ظروف جزء وسائل روزمره مردم آن زمان بوده، ولی از طرفی امر چنین برمیآید که ظروف نیشابوری جزء ظروف معمولی نبوده فقط برای تزئین بکار میرفته



۵



۶

۵ - ظرف نیشابوری از نوع اشکای اسب سوار - مجموعه هنس محسن فروغی  
۶ - ظرف سارهای - مجموعه هنس محسن فروغی

### شرح کامل

و بالااقل در میهن‌هایها بکار برده میشوند است. دلیل این امر را نیز میتوان امضاهای دانست که بظن کوشی در این ظروف مشاهده میشود. این امضاها با امضای سازندگان آنها با امضای ساحل و سفارش‌دهندگان آنها میباشد در بعضی از این ظروف آثار بندزدگی چشم میخورد. نکته جالب توجه دیگری که در مورد این ظروف قابل ذکر است این است که در آن زمان وسائل امروزی برای جمع‌کردن زباله خانها وجود نداشته و مردم در خانه‌های خود جاهایی مخصوصی زباله حفر نموده، ظروف شکسته و اشیاء زائد و بی‌مصرف خود را در این جاهها میریختند و اغلب ظروف نیشابوری که امروزه موجود است تنس حفاریها از این نوع جاهها بدست آمده است و بعداً تکتهای مختلفی را هم چسباند و وسایلی نمودند. همین جهت اثر این ظروف از تکتهای متعددی تشکیل یافته و تاکنون از این نوع ظروف با صورت سالم ظرفی بدست نیامده است.

بیشتر چشم میخورد. تاریخ این سفالها را میتوان بقرن دهم و نهم میلاد میلاد و حتی بعضی از آنها را میتوان بقرن هشتم میلاد میلاد مربوط دانست.

این ظروف در بین مجموعه‌های ایران و باستان‌شناسان با مهای نیشابوری و سمرقندی و سارهای معروف شده است. ولی در بعضی جگه‌ها این ظروف، ظروف نیشابوری اطلاق میشود. در مورد اینکه چرا این ظروف معروف ظروف نیشابوری گردیده است، باید گفت که مقدار زیادی از این ظروف در حفاریهای باستان‌شناسان در نیشابور و دهات اطراف آن بدست آمده همین دلیل باختلال بسیار قوی میتوان محل ساخت آنها را نیشابور دانست چنانکه در حفاریهای علمی حیث باستان‌شناسی آمریکا در شهر نیشابور مقدار فراوانی از این ظروف بدست آمده و نزدیکی نیز کماهی تحت همین عنوان و سبب آقای «ویلکینسون» باستان‌شناس معروف آمریکایی

# دربستجور شهرها رنگ شده

## سیری در تخت جمشید

دکتر عیسی بیظام  
استاد دانشگاه ادبیات



راست: سربازان هخامنشی با لباس محلی و نیز و کمان و تبر کن‌هایشان در اطراف تخت پاس می‌دهند. قبه نیرهاشان از طلا است. اینها با این نیرها نسبی از جهان را در حکومت خود آوردند و صلح و خوشبختی مردم را تأمین کردند.  
چپ: قسمتی از ۷۳ ستون سنگی سقف «ایده» را به فاصله ۲۰ متر از کف تخت جمشید نگهدارنده است. شاهشاه ایران روز هجوز در این تالار می‌نشست و نمایندگان ملل عدایای خود را در کنار تختش قرار میدادند و با او شادباش میگفتند.

هرسال هزاران مسافر خارجی و داخلی به تخت جمشید میروند و از دیدن رسیایی‌هایی که پدران ما در آنجا بیادگار گذاشته‌اند لذت میبرند. از کاخ‌های با عظمت کوروش و داریوش

زرد نخودی و قهوه‌ای سیاه.

## تقسیم‌بندی ظروف نیشابوری

ظروف نیشابور را میتوان از نظر محل کشف به سه قسمت عمده زیر تقسیم نمود:

الف - ظروف نیشابوری (مخصوص شهر نیشابور) که محل ساختن با احتمال قوی نیشابور بوده است.

ب - ظروف سامرهای - علت اینکه این سه از ظروف سفالی سامرهای معروف شده است اینست که نوعی از این ظروف ابتدا در خرابیهایی که در سامره محل آمده بدست آمده است. این ظروف قدیمی‌ترین ظروف نیشابوری محسوب

الف - ظروف مخصوص نیشابور

۱ - ظرف نیشابوری با خطوط درشت سیاه و ترکیبات نارنجی پررنگ (شکل ۱).

۲ - کاسه دسته‌دار با خطوط قهوه‌ای کمی برخاسته از زمینه روشن (شکل ۲).

۳ - ظرفی بادونقش مرغ پررنگ سیاه و قهوه‌ای پررنگ با نوشته‌های کوفی، زمینه سفید، حاشیه سیاه (شکل ۳).

۴ - ظرف سفالی یا نقش اسب‌سوار، زمینه نخودی، رنگهای قنوش زرد و سیاه، بعضی از بوته‌ها رنگ سبز مشابه مغز دارد.

در نوع اخیر رنگ زرد بیشتر از سایر رنگها چشم میخورد (شکل ۴ و ۵).



۷ - ظرف سامرهای با نقش کتی - مجموعه مهندس محسن فروغی

۸ - ظرف سمرقندی - مجموعه مهندس محسن فروغی

ب - ظروف سامرهای

۱ - ظروف سامرهای با نقش گل و بوته پررنگ آبی (شکل ۶).

۲ - ظرفی سفالی با نقش کتی دارای خطوط کوفی، بدیهی است خطوط کوفی روی پادشاهان درشت‌تر نوشته شده است (شکل ۷).

ج - ظروف سمرقندی

ظرف سمرقندی با نقوش برجسته سیاه و بنفشه کوفی با گل و بوته (شکل ۸).

میشود و از نظر نقش شباهت زیادی به ظروفیکه در آنها بطور قرینه بیکرها تصویر شده است دارد.

ج - ظروف سمرقندی - این ظروف در خرابیهاییکه در سمرقند و اطراف آن شده بدست آمده و از نظر طرز پخت و قالب بسیار عالی بوده و نیز ظریف و نازک ساخته شده است بطوریکه از نظر کارگی میتوان گفت دست‌کمی از چینی‌های امروزی ندارد.

اینک برای آشنائی بیشتر خوانندگان عزیز پیرامون نمونه‌هایی از این سه نوع ظرف در مجموعه آقای مهندس فروغی می‌برداریم.



بالا: نمایندگان ملل شاهنشاهی هخامنشی  
مانند دستار زرین و سایر زیبا برای  
شاهنشاه به عنوان هدیه نوروژ میآورند.  
پایین: شاهنشاه روی تخت نشسته ولیعهد  
(خشاپارشا) در کنارش ایستاده و منصب  
داران دیگر نیز در عقب او قرار گرفته اند.



یاد میشود و خاطرهای فراموش نشستی در بینندگان وجود  
میآید. هنگامیکه روی تخت باشکوه خمشد دست وسیع  
مرودرت را نظاره می‌کند، چه بخاطر میآوردند؟ پاره‌ها  
شاهنشاهی مانند داریوش بزرگ و خشاپارشا در همان محلی  
که شما اکنون ایستاده‌اید ایستاده‌اند و منظره دست کنار تخت را  
نظاره کرده‌اند. ولی آنچه که آنها میدیدند با آنچه که شما  
می‌بینید اختلافی دارد:

روز نوروژ سال ۵۰۸ پیش از میلاد بود تازه کار تخت -  
خمشد سروسامانی گرفته بود، شاهنشاه ایران داریوش بزرگ  
در بالای سکوی غریب تخت در همان محلی که اکنون هنوز  
کیمیای بنام میخی پارس نمایان است روی تخت مجلسی

ایران و تیریک به شاهنشاه و تقسیم هدایا سوی پایتخت کشور  
بزرگی که «زینند تا کوشان (حیثه) و از دریای یونان تا خلیج  
فارس» وسعت داشت آمده بودند.

در میان هدایا گذشته از خارهای زرین و سیمین کار  
هرمندان آسیای صغیر و طاقهای خال گنیمیر و خراسان  
و سایر زیبایی‌گران و قوچ‌های مرغ سرستان و حتی شترهای  
دوکوهانه خوارزم چیزهای جالب دیگر مانند بچه شیرها و  
پوست پلنگ و گردونه‌های مجلل و غیره و غیره یزدیده میشد.

اینها نمایندگان «تمام ملل» از مقابل شاهنشاه در پای -  
تخت گذشتند. صدای هلهله و زنده‌نامه به آسمان بلند بود و این  
کار تا چند ساعت از آفتاب گذشته بطول انجامید. فقط رؤسای  
نمایندگان میتوانستند به بالای تخت برای نزدیک شدن به  
شاهنشاه بروند زیرا تحت حشمیه با وجود وسعت گنجایش  
نمای آنها نیز آنگاه برای عرض شادباش آمده بودند داشت.

شاه از بالای سکو با همراهانش به آهستگی و باوقار از در  
جنوبی وارد تالار بزرگ آبادان شد، ۷۲ ستون سقف این تالار  
بزرگ را در ارتفاع ۲۰ متر از کف تخت نگهداشته بود.

نمایندگان ملل پیکانک هدایای خود را در پای تخت  
شاهنشاه قرار دادند در حوالی نمرور شاهنشاه با عنای از  
خواست و صاحبان مناسب عالی از مادمها و پارسها از تالار آبادانا  
خارج شدند و سوی تالار تخت «تالار صد ستون» روان  
گردیدند. در آنجا انواع خوراکیهای لذیذ روی سفره‌های  
زیبا در جام‌های زرین و سیمین قرار داده شده بود. مدتی به  
صرف غذا و نوشیدن شرابهایی لذیذ شیراز گذشت و سپس  
شاهنشاه و همراهانش از همان راهی که به تالار تخت آمده بودند  
مجدداً به تالار «ایند» مراجعت نمودند.

گذشته از این مجلس که از دیدگان شاهنشاه و مرتبه‌داران  
و سران لشکر و از این نوع اشخاص تشکیل یافته بود در پیته

راست: شاهنشاهان چین خنجرهای زرین بر کمر می‌بندند و در چنین جامه‌های زرین می‌نوشندند. چپ: صنعتگران «ماده» چنین گلدانهای  
سیمین از نوروژ به عنوان هدیه برای شاهنشاهان خود به تخت خمشد می‌آورند.





# تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران

## از دوران پهلستان تا ما

رکن‌الدین همایونفرخ

مدیرعامل کتابخانه‌های عمومی شهرداری تهران

در سالهای اخیر در اثر کاوشهای تپه مارلیک و بدست آمدن مهرهای مخطوط این نظر را که ایرانیها خط میخی را از سومری‌ها و بابلی‌ها اخذ کرده باشند متزلزل کرده است. مهرهای بدست آمده از تپه مارلیک جمعاً یازده مهره‌اند که منقوش و مخطوطند و ارزش علمی آنها برآب بیش از جامهای زرین و مسین و زیورآلات دیگری است که کشف شده است.

مهرهای استوانه‌ای در ایران باستان بجای مهر بکار میرفته و اکثراً دارای خطوط و علائم و نقوش‌هایی هستند و این نقوش‌نگارها بیشتر نشانه‌ها و پانمارهای مذهبی هستند.

این مهرها از نظر روشن کردن بسیاری از مسائل مهم و مکتوم تاریخ نقش برجسته و مهمی را ایفا میکنند.

دکتر فرانتسورت تحقیقات ارزنده و بسیار سودمند و قابل توجهی درباره مهرهای استوانه‌ای انجام داده که در کتابی بنام «مهرهای استوانه‌ای» مدون گردیده و مورد استفاده و استناد اهل فن است.

بر طبق نظر دانشمندان خط شناسی، پیدایش خط نخست از علائم و نقوش آغاز گردیده و مهرهای استوانه‌ای و غیره - استوانه‌ای را با نقوش و حکاکای نقوش و علائم برای مهر کردن

۱ - این اولین آن را برهنه‌بیره ثبت کرده است که در بن‌بیره و این املا صحیح است زیرا اصل آن «دین‌بیره» است یعنی خط دین - جزء نخست آن دین یعنی آیین است و تازیل به همین معنی آن را از ایرانیان گرفته‌اند قسمت دوم که (دین‌وریه) باشد مرکب است از (دین) یعنی خط و (وریه) از اوقات قاملی و (یه) که همان (ی) مصری فارسی است با های ساکن (یک شناسی استاد بهار ج ۱ ص ۸۸).

۲ - خرده اوستا استاد یورداد.

۳ - نویسنده تعداد زیادی از این مهرها را در اختیار دارد که منطبق بدوران قبل از ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی است.

از آنجا که کتاب و کتابخانه شناسنامه دانش و اندیشه و تمدن ملت‌ها شناخته میشود و ایران گرامی‌ترین و با فرهنگ‌پرور و هنردوست آن در بوجود آوردن کتاب و کتابخانه از پیشروترین ملت‌ها بوده‌اند، اینک در این باره اطلاعاتی بسیار فشرده و مختصر بمرض خوانندگان ارجشده میرسد.

برای آگاهی از سرگذشت کتاب و کتابخانه در ایران از قدیم‌ترین دوران باید نخست سخن از پیدایش خط و سیله ثبت و ضبط اندیشه و فکر بیان آورد. گرچه توضیح و تحقیق درباره پیدایش خط در ایران مسئله بحثی منصل است و اگر بخواهیم بدان بخوش و بررسی بپردازیم رساله‌ای کامل را شامل است لیکن ناگزیر باید برای آغاز سخن و ورود بمطلب مورد طرح شماری بان اشارت رود.

بنابه تحقیق دانشمندان رشته خط شناسی نخستین خطی که در ایران باستان سابقه تاریخی دارد خط «دین‌بیره» است که تاریخ اختراع آن را بندهزار سال قبل از میلاد مسیح که چهار هزار سال قبل از این تاریخ باشد تخمین زده‌اند.

با کشف باستان‌شناسی و بدست آمدن مهرهای مخطوط و مطالعاتی که از طرف دانشمندان بعمل آمده است باید در این مطلب تجدید نظر کرد. مسلم است هنوز تاریخ تحقیق و مستند ایران باستان مراحل نخستین را طی نمیکند و بنابراین نمیتوان درباره اینگونه مسائل و مطالب اظهار نظر قلمی کرد.

پیدایش خط حرفی را خط شناسان در حدود سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین دانسته‌اند و نظرشان اینست که سومری‌ها و بابلی‌ها مخترع خط بوده‌اند. بدیهی است خطوط علائمی و نشانه‌ای و نقشی (هیر و کلیف و خطوط مشابه آن) قنچستان به پیش از این تاریخ می‌رسند.

میدانیم که سنگ نوشته‌های دوران هخامنشی یا خطوط میخی نوشته شده است. خط شناسان اختراع خط میخی را از سومری‌ها و بابلی‌ها دانسته‌اند.



چپ: نمونه‌های دیگری از هدایای نوروژ کار هنرمندان «ماد»



راست: نمونه‌های از هدایای نوروژ کار هنرمندان «ماد»

و هوا آتش گرم نیستند که بتوان در زیر چادر زندگی کرد. شما که در مقابل سنگ‌تراشیهایی کلاه مجلل تخت جمشید حیرانید آیا میل ندارید قدم فرمائید و راجع بصنعتگرانی که این شاهکارها را بوجود آورده‌اند و از روی تواضع و فروتنی حتی نخواسته‌اند نام خود را در گوشه آن بپایه شما بیاورند تحقیقی کنید یا صحبتی کنید؟

تصور اینکه در میان این کارگران و هنرمندان افرادی از ملل مختلف بچشم میخورد و از نام این ملل بود کشف‌نشده‌ای ایران بوجود آمده بود و در راس آنها مردم پارس و ماد قرار داشتند که در آغاز بیشتر ماسد بدست آنها بود. تباروش بزرگ بانظر بلندی که داشت تدریجاً مناسب عالی را بفرموده‌اند ملل غیر فارسی و ماد نیز محول نمود. هنوز نقش نمایندگان «تمام ملل» که تخت شاهنشاهی را روی سر خود گرفته‌اند در دیوارهای تخت جمشید مشهود است. این ملتها که قرن‌های متمادی از ملل و آسایش محروم بودند حکومت پارسها را با کمال شایسته پذیرفتند زیرا این پارسها بودند که توانستند برای قرن‌ها همانطوریکه عیاناً از تاریکی از کتیبه‌های کلاه خزانه میگویند (صلح و آرامش و خوشبختی را برای مردمان آماده نماید) و همین شاهنشاه اضافه میکند «من تمام این کارها را با کمک خدای بزرگ اعور امزدا انجام دادم».

نشت وسیع مروتش حدمه و آشیز و پیشخدمت و کارگرهای مختلف از قبیل سنگ‌تراش و چوبان و برزگر و نجار و نقاش و تمام صنعتگران نیز امروز جشن مجلل نوروژ را برپا کرده بودند اما امروز جز آثاری از تخت جمشید از خانه‌های این مردم که از مجموع آنان کشور بزرگ شاهنشاهی ایران بوجود می‌آید اثری برجا نیست.

البته در کنار تخت بزرگ دیوارهای سنگی غریب و جنوب غریب هنوز باقی مانده‌های ستونهای زیبای منزل‌های درباریان و نزدیکان شاهنشاه بچشم میخورد و منتظر روزی است که دانشمندان باستان‌شناسی پیرانشان برود و خاک دوهزار و پانصد سال را از رخشان بردارد و از آنها پرش‌هایی کند.

ولی از خانه‌های درباریان که بگذریم دیگر چیزی بچشم نمیخورد و دیوارهای خشتی خانه دهقانان چنان با کف زمین یکسان شده که کوچکترین اثری از آنان نیست.

با این حال من رفت و آمد آثار را در کنار تخت و سر تاس مروتش تا کنار رود پلوار می‌بینم. چگونه امکان داشت که کلاه‌های مجللی چون تخت جمشید در دامنه کوه رحمت باشد و شهری در کنارش بوجود نیامد باشد آنها بدون شک نمیتوانستند تمام سال را زیر جادر پیرینه زیر درناخیه تخت جمشید و مروتش در زمستان با زانهای شدیدی می‌آید

سرکوزه‌ها و خسرها و سیدهای اجناس و یالوازم و دارائی خود بنظور معرفی و حفظ مالکیت بکار می‌بردند و بمرور زمان و گذشت دوران این علائم و نقوش مختصر شده و علائم بجای حروف بکار رفته است.

ازبازده مهره استوانه‌ای که درتپه مارلیک بدست آمده است خوشبختانه یکی از آنها با خطوطی میخی شکل منقوش است و آقای فریضو کلمرون استاد خطوط باستانی خاورمیانه در دانشگاه میشیگان آمریکا آنرا مورد تحقیق و مطالعه قرار داده و امیداست بزودی نتایج مطالعات ایشان در دسترس پژوهندگان دانش قرار گیرد.

با باظهار نظر این دانشمند خط شناس خطوط منقوش در این استوانه نمیتواند از دوازده سال قبل از میلاد مسیح جدیدتر باشد و خطوط آن از نوع خطوط علائمی و نقشی است که قبل از پیدایش خط میخی بکار میرفته و پس از گذشت چند قرن خط میخی از روی اینگونه خطوط بوجود آمده است.

با درست داشتن این خط وقتبست اشیا بدست آمده از تپه مارلیک میتوان تقریبا حد معقول نیست ایرانیها با درست داشتن خط علائمی و نقشی از نوع خط میخی، خط میخی خود را از مشتقات دیگر اخذ و اقتباس کرده باشند. ملت مندلی که آن چنان آثار زیبا و هنری بوجود میآورده و توانسته بوده است برای بیان مطالب خود خط علائمی و نشانه‌های را اختراع کند، چه نیازی داشت است که خط حرفی (الفبائی) را از مشتقات دیگری اخذ و اقتباس کند؟ آیا این نظر معقولتر نیست که ایرانیها با درست داشتن خط نقشی و علائمی آنرا بمرور ساده و تکمیل کرده و بسورت خط حرفی و الفبائی بکار برده باشند؟ آنچه مسلم است پیدایش خط در ایران قبل از دوازده سال قبل از میلاد مسیح محرز است بدیهی است میتوان تصور کرد از آنجا که ایرانیها توانستند بنویسند توان پذیرفت که به ثبت افکار و تجربیهای خود نیز پرداخته باشند.

ترباره خطوط رایج در ایران پیش از حمله عرب آنجا نشانه‌ها و پایسته است هنوز تحقیقات و تبصرات کامل و جامع بعمل نیامده و قبلا تنها ماخذ اطلاعات ما محدود است یا تنها که مورخان و محققان عرب نرسند اسلام و یا مورخان قدیم یونان از خود بجای گذاشته‌اند.

این تدبیر در الفبهرست بنقل از روبره فارسی (ابن مقفع) مینویسد که: ایرانیها هفت نوع خط داشته‌اند ۱ - دین پیری که اوستا را بآن مینوشتند ۲ - ویش دیر پیکه بآن اصوات و آهنگها و اشارات و علائم قیافه و تعبیر جواب را منت میکردند ۳ - گنتک دیر پیکه بآن عهدنامهها و اعلانات و نامهها و رموز را بر سنگنریها و بر سکه‌های نوشته‌اند. ۴ - پاره گنتک یا نیم گنتک که مأخوذ از خط گنتک بوده و ۲۸ حرف داشته و مطلب و فلسفه را بآن مینوشتند. ۵ - شاد پیری که اختصا

پادشاهان و پادشاهان شاهنشاهی داشته است. ۶ - راز پیری که پادشاهان نامنهائی را که برای پادشاهان ملل دیگر مینوشتند باین خط بود است. ۷ - راس مهریه. این خط فقط در آذربایجان و برای بیان مطالب منطقی و فلسفی بکار میرفته و ۲۴ حرف داشته است.

جز این هفت خط دو خط دیگر هم داشته‌اند باین شرح: ۸ - هزارش که خط بجائی بوده است و این تدبیر بنقل از روبره فارسی دوازده هزارش بوده که برای جدا کردن متناهیات از یکدیگر بکار میرفته است. ۹ - خط فیر آموز (فیر آموز) این تدبیر درباره خطوطی که مسافران را بدان مینوشتند می‌نویسد، (فیر آموز که ایرانیان آنرا استخراج کرده و بدین حیوانند) قرآن را بآن خط که خود آن را استخراج کرده‌اند می‌نویسند و میخوانند. فیر آموز را سهل و آسان معنی کرده‌اند؛ لیکن نویسنده را در این مورد نظر دیگری است که بجای خود متذکر آن خواهد شد.

بجاست یادآور این نکته شود که خط دین پیری از کاملترین خطوطی است که تا امروز بشر موفق با اختراع آن گردیده است. در این خط هر حرف نماینده یک صدادت و خط شناسان و دانشمندان زبان شناس آن را از بهترین و کاملترین خطوط الفبائی جهان دانسته‌اند و این خود از افتخارات درخشان فرهنگ کهن ایران باستان است.

با شرحی که بطور اختصار گذشت ایرانیان در چهار هزار سال قبل از این با خط الفبائی آشنا شده‌اند و افکار و عقاید و نظرات و تجربیات و دانشهای خود را ثبت میکردند و چون برای حرف و دانش خطی بکار می‌بردند پس مسلم و محقق است که در دانشهای گوناگون صاحب نظر و اطلاع و تجربه بودند. زیرا اگر دانش نبود نیاز به اختراع خط مخصوصی برای ثبت آن دانش میان نمی‌آمد بنابراین ایرانیان از دوازده سال قبل از میلاد مسیح یعنی چهار هزار سال پیش از این با فلسفه - منطق - طب و موسیقی آشنائی کامل داشته‌اند و باید گفت ملت ایران نخستین ملتی است که برای ثبت و ضبط اصوات و آهنگهای

۱ - گنتیک که همان گنتک باشد و پس آن بازگوه شده است و همین نظر میرسد که این خط با خط دیگری که علائم و حروف آنرا تعبیر داده و مختصر کرده بودند استخراج شده بوده است و نه همین جهت نام آن را (فهرس یا فیه) گذاشته بودند البته این خط ۲۴ حرف داشته است.

۲ - نویسنده اکثر حروف الفبائی و سیلان در اختیار دارد متعلق بدوران هخامنشی و ساسانی که تصور می‌رود خطوط آن گنتک دیر پیکه باشد.

۳ - راز پیری و راس مهریه بطریق ثبت سخنان الفبهرست است تصور می‌رود با این تدبیر آنرا صحیح ثبت نگردد و با صلاح الفبهرست آن را تعریف کرده باشد.

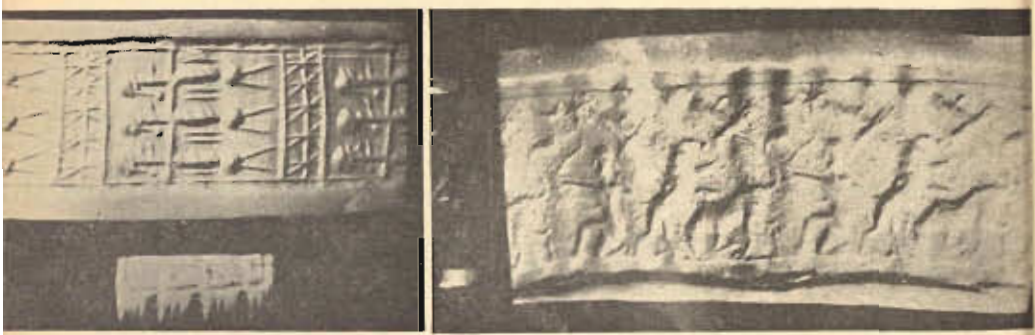
۴ - فرهنگ فارسی استاد دکتر محمد معین و تنظیم فرمایشات استادان جمعی قلم صحیح استاد مدرس رضوی ص ۲۸۶.

عوسیقی و حتی ضبط نوای آشار و نغمه پسرندگان و آوای درندگان با خط مخصوصی قادر به نوشتن و ثبت آن بوده است و آنرا ویش دیر پیری می‌نامیدند که بجای نون موسیقی امروزی بکار می‌برده‌اند.

اینک بهینیم این خطوط را بر چه چیزی مینوشتند؟ ایرانیان در دوران هخامنشی نوشته‌های خود را بر سنگها نقر و یا بر لوح‌های گلی مینوشتند و سپس این لوح‌ها را مانند آجر می‌پختند تا در برابر رطوبت استقامت بیشتری داشته باشد. و گاه مطالب گرانقدر و ارزشمند را بر لوح‌های زرین و سیمین نقر میکردند. هم اکنون گذشته از سنگ نوشته‌های موجود در کوه‌های فارس - کرمانشاه - آذربایجان و لوح‌های

یادگارهای آئین مهری است. چون گاو در آئین مهر پرستی مقدس بود. نوشته‌های آئین مهری را بر پوست گاو مینوشتند و این سنت در آئین زرتشت مانند بسیاری دیگر از مذتهبات آئین مهری رسوخ کرده. بطوریکه اوستا را بر پوست گاو مینوشتند چنانکه می‌دانیم در دوران ساسانیان اوستای جمع آوری شده بر روی ۱۲۰۰۰۰ رقمه پوست گاو نوشته شده بود. و بطوریکه در صفحات آینده به تفصیل خواهد آمد. کتابهای بدست آمده از ساروه بیشتر بر پوست گاو بوده است.

چون پوست گاو دبایستی شده در مکانهای مرطوب متعفن میگردد و گذرا می‌شد ایرانیها موفق شدند کاغذی از پوست درخت خدنگ که هم نرم بود و هم مقاومت بسیار داشت بسازند



راست: نقش مهر استوانه‌ای که در روی خسر مخصوص منعکس گردیده و در آن شکل‌های نموده شده است: حروف منقطع از نوع خط میخی علائمی در روی آن دیده میشود - چپ: نقش مهر استوانه‌ای دیگر که در روی خسر مخصوص منعکس گردیده و خط علائمی از نوع خط میخی در روی آن کاملاً دیده میشود. این مهرهای استوانه‌ای از کاوشهای تپه مارلیک بدست آمده است

سنگی دیگری که بدست آمده است از لوح‌های زرین و سیمین متعلق بدوران هخامنشی و ساسانی در موزه ایران باستان و موزه‌های جهان سوننهائی در دست است. مانند لوح‌های زرین و سیمینی که از زیر بنای تخت جمشید بدست آمده و لوح زرینی که بنام اردشیر است؛ لوح‌های زر بنام داریوش دوم؛ لوح زری که بنام اردشام است؛ سه ستون سنگی که بر آن نوشته‌های بنام اردشیر دوم نقر می‌باشد؛ لوح‌های گلی بسیاری که از کاخ آپادانا و همچنین محل کارخانه دخانیات تهران بدست آمد و این تدبیر نیز متذکر شده‌است که ایرانیها نوشته‌های خود را بر لوح‌های گلی هم مینوشتند.

ایرانیان پیش از اینکه از قوز (پوست درخت خدنگ) برای نوشتن استفاده کنند نوشته‌های خود را بر پوست دبایستی شده گاو مینوشتند. این سنت به قبل از آئین زرتشت میرسد و از

و آنرا توی می‌نامیدند. چشپاری در کتاب الوزراء و الکتاب مینویسد: ایرانیها قهر میکردند که نوشته‌های خود را بر چیزی می‌نویسند که در کشور خودشان بدست می‌آید.

کتیلبس بزرگ اردشیر دوم ساسانی که از ۲۰۱ تا ۳۹۸ پیش از میلاد در دربار این پادشاه بوده است و کتاب پرسیکا را درباره ایران و سفر خود نوشته است متذکر است که کتابش را از روی دفترهای پوستی کتابخانه شاهی اردشیر استنساخ کرده

- ۱ - کتاب هگمتانه تألیف آقای میطوقی
- ۲ - دولوح بر موزه ایران باستان و با لوح متعلق به مارسل ویدال.
- ۳ - مجموعه مارسل ویدال.
- ۴ - متعلق به یک مجموعه شخصی در انگلستان.

طبق اطلاعاتی که این ندیم بدست میدهد در کاخ آبادانا بر روی چوبها و سنگهای کاخ نوشته‌هایی بوده است که اسکندر جیستک آنها را خراب و ویران کرد و سوزانید .

بناطرح مغالبا باشد این نتیجه می‌رسیم که ایرانیان نخست بر روی سنگ و سپس لوح‌های گلی و سپس وزین و رقم‌های پوست گاو و گاویش و بز و سرانجام بر پوست درخت خندک افکار و آثار خود را ثبت میکردند .

ساخت کاغذ در ایران نیز سابقه کهن دارد و ایرانیان این صنعت را از دیرباز از چینیان آموخته بوده‌اند .

این ندیم می‌نویسد کاغذ خراسانی از کتان بدست می‌آید و کارگران چینی آنرا در خراسان همانند کاغذ چینی می‌ساختند و انواع آن - ملحنی - نوحی - فرغوی - جعفری و طاهری است .

نام‌هایی را که این ندیم یاد میکند نام‌هایی است که عربها به انواع کاغذ خراسانی داده بوده‌اند و دیدیم که در ایران باستان کاغذهای سفید سرخند بنام‌های دیگری نامیده می‌شده است . منظور این ندیم از خراسان سرخند است زیرا عربها در سال ۸۷ هجری که سرخند را در خراسان بزرگ فتح کردند از بدین کارخانه‌های کاغذسازی آن بشگفتی افتادند و از آن زمان است که مسلمانان با کاغذ آشنا شدند و بعدها از طریق کشورهای اسلامی کاغذ ایران به اروپا و مغرب‌زمین رفت و ساخت کاغذ در سایر کشورها متداول و معمول گردید<sup>۲</sup> .

کاغذ سرخندی و ترمه ایران در میان انواع کاغذ قرن‌ها شهرت و معروفیت بسزای داشته و براب از کاغذ خاندانلیج چین مرغوبتر و لطیفتر بوده است .

در قاپوسنامه از کاغذ منصوروی یاد شده است و عبدالواسع جیلی و انوری شاعران نامی هم از کاغذ سفیدی یاد کرده‌اند . سفید به ناحیتی گفته می‌شده که سرخند مرکز آن بود و چنین استنباط می‌گردد که جز سرخند در دیگر شهرهای ماوراءالنهر هم کاغذ می‌ساخته‌اند .

گروهی معتقدند که مانی‌های ایرانی در وجود آوردن کارخانه‌های کاغذ سازی در سفید پیش گام بوده‌اند و روابط آنها با چین و علاقته‌ای که به‌شمار کتابهای خود داشته‌اند در روابط کاغذ و ایجاد کارخانه‌های کاغذ سازی در ایران مؤثر بوده است . لیکن ما بدست آمدن سنگ گور چند تن از شاهزادگان افغانی در چین و روابط نزدیک پارتها با کشور چین میتوان تصور کرد که روابط کاغذ در ایران در دوران اشکانیان امکان‌پذیر بوده است .

**کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام**

برای اطلاع از چگونگی کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

ناچاریم باخبار و اطلاعات و گزارشهای محدود و محدود و مختلفی که ضمن آثار مورخان و نویسندگان عرب و یونان به‌جامانده است توجه کنیم و از آنها تابعی را استنباط و استخراج کنیم . و محققان ایرانی اطلاعاتی درباره کتابخانه‌های ایران بدست ما رسیده که هر چند ناقص است ولی میتواند برای بحث ما بسیار سودمند باشد .

این ندیم بنقل از کتاب همطانی فی معرفة طالع الانسان تألیف ابوسهلین نویخت ایرانی می‌نویسد : کی ضحاک در زمین‌های سواد شهری بنا کرد و و نام آنرا از معتزتری در آورد و آنرا جایگاه علم و عشاء قرار داد و دوازده کتاب شماره برج‌های آسمانی در آن ساخت و هر کاخی را بنام یکی از برج‌های آسمانی نامید و برای کتابهای علمی در آنها خزانه‌هایی ساخت و دانشمندان را در آن کاخ‌ها جای داد . . . . . اسکندر پادشاه یونان برای هجوم بایران از شهری که در میان آنرا متذنبه می‌نامند بیرون شد و دارا پسر شاه دارا را بقتل رسانید و شهرها را ویران ساخت و کاخ‌هاییکه بدست بزرگان و سرکشان ساخته شده بود خراب کرد . کاخ‌هاییکه بر سنگ‌ها و تخت‌های آن انواع علوم نقش و نقر شده بود با خاک یکسان کرد و با این خرابکاریها و آتش‌سوزیها آنها را بهم ریخت و درهم کوبید و از آنچه در دیواریها و خزانه‌های استخراج بود رونوشتی برداشت و بزیان رومی و قبلی برگردانید و پس از اینکه از شهر دارا بایران می‌نوردید از فراغت یافت آنچه به خط گشک در آنجا بود در آنجا انداخت و بسوخت . آنچه را از علوم نجوم و طب و علم‌النفس میخواست از آنها برگرفت و با دیگر چیزها از علوم و اموال و کنجینه‌ها و دانشمندان تصاحب کرده و بمصر فرستاد<sup>۳</sup> .

از آثار ایرانیان تنها آنهایی باقی ماند که پادشاهان گذشتہ سستور پیامبران زرتشت و جاماسب حکیم پیش از آن نسخ برداری کرده و منظور مسون ماندن از هجوم جیستک که زرتشت از کربار و رفتار باهتجار او آگاهی داده بود به چین و هند فرستاده بودند .

- ۱ - بلا استاد بورداوس در ۸۱ - ۱۱۰ .
- ۲ - ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی بطم گورکیس عواد ترجمه اقبال آشتیانی مجله باگداد ج ۴ شماره ۹ ص ۹۵ - ۱۲۸ .
- ۳ - فضل ابوسهلین نویخت از محضان عالیقدر ایرانی که در دارالحکمه بکار رفته کتابها از فارسی به عربی انتقال داده است و در ۱۹۴ هجری در گذشته است . بطم می‌رسد که همطانی ترجمه شده بآرمان فارسی باشد . چون خلدین نویخت با خط بهلولی آشانی داشته باید پذیرفت که نوشته‌های او درباره هجوم اسکندر بایران پیشی بر نوشته‌های دوران ساسانی بوده است .
- ۴ - خوزستان امروز .
- ۵ - مقاله حاتم القهرست .

اطلاعات دیگری که از کتابخانه‌های ایران قبل از هجوم اسکندر داریم آنست که ابومعشر بلخی ایرانی در کتاب اختلاف الزیجات خود بمسائلی آورده و این ندیم عیناً از کتاب او بدین شرح نقل کرده است .

« پادشاهان ایران برای نگاهداری و حفظ وصیالت دانستها و بجای ماندن آنها اهتمامی فوق‌العاده مبذول میداشتند : آنها برای محفوظ ماندن کتابها و آثار دانشمندان از آسیب زمانه و آفات آسمانی و زمینی وسیله‌ای از سخت‌ترین و محکم‌ترین اسباب و لوازم برگزیدند که تاب مقاومت در برابر هر گونه پیش‌آمدهی را داشته باشد و عفوتم و پیوسیدگی در آن راه نیاید و آن پوست درخت خندک بود که بآن نوز می‌گفتند . چنانکه همدان و چینیان و مردم دیگر کشورها از ایشان پیروی کردند و نوز برای محکمی و سختی و نرمی و قابلیت اعطاف در کمان - سازی هم بکار برده می‌شد .

ایرانیها پس از اینکه بهترین وسیله را برای ثبت و ضبط و نوشتن و نگاهداری دانش‌ها بدست آوردند برای یافتن بهترین جا و مکان جهت بنیاد کتابخانه و خزانه‌کتاب به جستجو پرداختند چنانکه از زمین لرزه برکنار و گیش چسبندگی داشته باشند تا برای ساختمان‌های محکم و پابرجا مناسب باشد . پس از گنجگاری بسیار سراجام شهرستانی که همه این مضامین را داشت یافتند و آن شهر سراجام استخوان بود . در آنجا هم پس از کاوش نقاط مختلف شهر روستایی جی را بهترین جا و مکان یافتند . در جی کهن‌بزر را برگزیدند و در آنجا عمارتی رفیع بنیاد نهادند و سارویانش نامیدند .

مردم از جی بنا بسازند و وایه‌گذار آن می‌روند! زیرا در سالهای گذشته گوشه‌ای از ساختمان سارویه ویران گردید و در آن سفر (دالانی) نمایان شد که با گل سفید (ساروج) ساخته شده بود و در آن کتابهای زیادی از نوشته پیشینیان نهاده بودند که بر پوست خندک نوشته بودند : در آنهاشای گونه‌گون بخط پارسی باستانی .

از این کتابها تعدادی بدست کسی رسید که در خواندن آنها دانا و توانا بود . در آنها نوشته‌های از برخی شاهان ایران یافت که چنین بود : بطهمورت شاه که دوستدار دانش و دانش‌پژوهان بود خبر دادند که در اثر یک حادثه آسمانی که در مغرب ظهور خواهد پیوست بعزت ریش بارانهای برهبری جهان را آب فرستاده گرفت . زمان وقوع آن با گذشتن دویدت و سی و یکسال و سیصد روز از آغاز پادشاهی وی خواهد بود .

منحان تهمورت شاه را بر آن داشتند که برای برهبر از زبان و خسران آن توغمان چارمادی اسدیند و گنگنه زبان و خسران آن بازان و توغمان تا انتهای مشرق کشیده خواهد شد . تهمورت شاه مهندسان و کارآگاهان را فرمان داد در سراسر

ایران شهر کاوش کنند و جویا شوند جایی را که از همه جهت برتری داشته باشد برای ساختمان باشی منظور حفظ آثار دانش برگزیدگان .

آنها پس از جستجو جی را در مافهان برگزیدند و سارویه را ساختند . پس از اینکه سارویه در جی ساخته شد فرمان داد تا آنچه از کتابهای علوم مختلف که بر پوست خندک نوشته شده بود در خزانی سارویه جا دادند تا پس از برطرف شدن توغمان دانشهای کهن برای مردم جهان بجای بماند .

در میان کتابهای آن کتابخانه کتابی اثر یکی از دانشمندان باستانی ایران بود در علم انوارسین<sup>۴</sup> که برای استخراج سیر ستارگان و علل حرکتشان بکار میرفت . مردم دوره تهمورت‌شاه و پارسیان پیش از آن ، آن را ادوار هزارات میخواندند و بسیاری از دانشمندان هند و گلدانیان قدیم که نخستین سکه حومه بابل بودند گردن از سیارات هفتگانه را از آن استخراج میکردند و این زیج را در میان دیگر زیج‌های آن زمان برتری میدانند زیرا از همه صحیحتر و مختصرتر بود و منجمان آن زمان زیجی از آن استخراج کردند و آنرا زیج شهر یاری یعنی پادشاه زیج‌ها نامیدند<sup>۵</sup> .

این ندیم خود میگوید : یکی از اشخاص قه قه بین خبر داد که در سال سیمد و پنجاه هجری در سارویه جی دالانی خراب گردید که جایش معلوم نشد زیرا از بلند بودن سطح آن گمان میکردند که درون آن خالی نبود و هر است تا زمانیکه آن خود بخود فرو ریخت و در آن کتابهای زیادی بدست آمد که هیچکس نمیتوانست آنها را بخواند و آنچه من با چشم خود دیدم و باو نقل عید آنها را در سال سیمد و چهل و اندی فرستاده بود کتابهایی بودند یازده باره که از باروی اسفهان میان سندوقهایی بدست آمده و بزبان یونانی بود و کتابیکه آن زبان را میدانستند مانند یوحنا و دیگران آنرا ترجمه کردند و آشکار شد که نام سربازان و جیره آنان است و آن کتابها چنان گنیزا بودند که گوئی تازه از دنیای در آمده‌اند ولی پس از آنکه یکسال در بندان ماندند خشک شدند و تغییر کردند و غنوششان بر طرف شد و پارمادی از آنها اکنون نزد شیخ ابوسلیمان موجود است . گویند سارویه یکی از زبانهای محکم باستانی است که ساختمان معجز آسانی دارد و در مشرق چون اهرام مصر در مغرب از نظر عظمت و اصحاب است<sup>۶</sup> .

- ۱ - از این گفته ابومعشر بلخی چنین بر می‌آید که در بنای سارویه جی هم مانند کاخ آبادانا در زیر بنای لوح‌هایی دفن کرده بوده‌اند که علت ساختمان و تاریخ بنای آن را در آن نوشته بودند<sup>۱</sup> .
- ۲ - ادوارسین ، با علم ادوار . نورمایت که اشکامیان و منجمان برای هر ساله از بلند غلخت تا امروز قائل شده‌اند و آشرا فارسی هزارات گویند . لغت‌نامه دهخدا .

# ایل میلان

از انتشارات اداره فرهنگ عامه  
منوچهر کلاتری

زودیک دوسال پیش از طرف اداره فرهنگ عامه‌های هرکب از آقایان منوچهر کلاتری، علاءرضا معصومی، حسین نادری، شیت‌الحق افتخاری بامر سرپرستی آقای علی بلو کبایی برای مدت سه ماه مطالعه و بررسی ایلات و طایفه‌های مغرب ایران و شناسائی مقدماتی آنها پرداختند. این مقاله فشرده‌ای از مطالعات و تحقیقات مقدماتی این هیأت در ایلات مغرب ایران است که بوسیله آقای منوچهر کلاتری تهیه و تنظیم شده است.

بر این قرار، سرپرست چند خانوار، حرف «ابه‌باشی» را می‌شود و ابه‌باشی‌ها حرف رئیس تیره را گوش می‌دهند. سرپرستان تیره‌ها در کارها با سرپرست طایفه مشورت می‌کنند و از او فرمان می‌برند و همین ترتیب سرپرستان طایفه‌ها نیز از رئیس ایل حساب می‌برند و حرف شوی دارند. در میان طایفه‌های یکجانشین و روستائی، قرار دیرینه ایلیاتی تا حدی در هم ریخته و با فرارهایی دیگر آمیخته است: زیرا یک فرد ایلی که دام و کوچ را رها کند و در دهکده‌ای سکنی گزیند میشود یک روستائی و گرفتار زندگی در روستاها. میلانی‌هایی که به انگیزه‌های مختلف چادر و کوچ و دام را رها کرده و به زمین و زراعت بناء آورده‌اند، چندان واجب نمی‌دانند که مانند گذشته برای مدتی معین باهضم در کنار سیاه‌چادرهای خویش و هم‌تیره و هم‌طایفه‌ی‌شان سرپرست و درین دام و چراگاه ایلامی و اطراف قشلاقی باشند. میلانی دهشتین می‌توانند بهره‌دهی که میخواهد بیرون و برای هر زمینداری که کارگر لازم داشت باشد کار کند.

## سرپرستی

سرپرستی در ایل میلان از پدر به پسر میرسد ولی هرگاه سرپرست ایل و طایفه‌ی تا بازبینیم زندگی‌اش پس بالغ و شایسته‌ی نیاید، سرپرستی را به یکی از نزدیکترین مردان خانوادگی می‌سپارد.

هرگاه سرپرست ایل یا طایفه‌ای در واقعیت ازین بیرون

سرزمین پهن‌آور و زیرک‌نوی، از کارزار رودخانه «زنگمار» ماگو تا دهستان قنور شهرخوی، طایفه‌های ایل میلان را از چادر نشین کوچنده و دهشتین زراعت‌نیشه مبر گرفته است. پیدا نیست که کلمه «میلان» از کی یا چه چیز گرفته شده است. برخی از میلانی‌ها می‌گویند:

چون مردم «میلی» نام این ایل را پایه نهاد از این رو آن را میلان نامیدند و برخی دیگر باور دارند که از «میل» به معنی کوه گرفته شده است.

ایل میلان به دو دسته بزرگ به نام «میلان» و «خلکانی» تقسیم می‌شود. میلان پنج طایفه دارد به نام:

«مَسْکَانَلُو»، «هَوَلْکَانَلُو»، «مَنْدُولْکَانَلُو»، «شَبَحْ کَانَلُو»، «سارمانلو»، «خلکانسی به دو دسته «لایلی» و «خلکانی» بخش میشود. «لای» و «خلکان دور اندر بودند.

خلکانی شش طایفه دارد به نام:

«کِچِلْکَانَلُو»، «کَلْکَانَلُو»، «آموئی»، «مَروئی»، «قَرْدوئی»، «مَروئی».

برای نشان دادن مراتب دیرینه سازمان و سرپرستی در ایل میلان، بهتر است از یک خانوار که در زیر یک چادر زندگی می‌کنند شروع کنیم:

کوچکترین واحد طایفه‌های دامدار یک چادر است (یک خانوار)؛ و پدر سرپرست آن، چند خانوار که با هم بکوچند و در کنار هم چادرهایشان را برپا کنند و در یک چراگاه دامهای خود را بچرانند، میشوند یک «آب» (ایله) که مردی یا تجربه و سرد و گرم دیده به نام: «ابه‌باش» آنرا سرپرستی می‌کند. هر چند تا «ابه» تیرمی را تشکیل میدهد و هر چند تیره طایفه‌ی را و طایفه‌ها ایل میلان را.



بالا: نمایی از یک دهکده میلانی نشین  
پائین: یک جفت گاو و یک میش، اسباب کار دهقان است

و با بیماری اش به شدت باشد که پیش از مردن نتواند و سبب کند. پسر او در سورتیکه سن و سالش بر او گذشته و کار آمدن باشد. به جایش می نشیند و اگر پسر نداشته باشد ریش سفیدان ایل یا طایفه پس از پایان سوگواری او به دور هم می نشینند و یکی از نزدیکترین مردان خانواده سرپرست در گذشته را به سرپرستی برمی گیرند.

سرشناسان و ریش سفیدان میلائسی می گویند: اکنون انتخاب سرپرست در ایل بصورت قدیمی اش صورت نمی گیرد



بالا: خرمنگاه و کتارهای پیرامون یک دهکده  
پائین: پس از درو گندمها را روی هم کوبه می کنند و آن را «کدیش» می نامند

زبانند و در دهکده های میلانی نشین نقش فعال و برجسته ای دارند.

از همان سالها نیکه میلائسیا ده نشین و کشاورز، شده اند کانسکاران هم به دهکده های ییلاقی و قشلاقی آنها راه پیدا کرده اند و به مردم بر سرمایه روستاها، بند، پول و جشن، فرض می دهند. محصول که به دست می آید مقدار زیادی از محصول دهقان را بازار کتار از بازار روز برمی دارند و در موقعی مناسب پدیهائی بیشتر در بازار شهرها و دهات می فروشند.



خرده مالک زیاد است و یکی دو زمین دار بزرگ نیز زمین خود را به دست دهقانان می سپارند و کاری به این ندارند که با چه وسیله ای شخم می زنند، چگونه محصول بر می دارند، دهقان نیز توانائی آن را ندارد که بجز گاو و میش به وسایلی دیگر دست بیازد. ولی در «انبار ماران» مرکز سرپرستی طایفه کچالانو، کتارها بطور نیمه مکانیزه اداره می شود زیرا سرپرست طایفه و چندتن از خویشانش مالک همه زمینهای زیر کشت هستند و دهقانان بصورت مزدور برای آنها کار می کنند. کشاورزان میلائسی بر حسب اندازه برداشت محصول و گذران زندگی به سه دسته تقسیم می شوند:

اول - آنها نیکه زمین و محصول فراوان دارند و پس از خرمن و کتار گذاشتن مصرف سالیانه خود، بازمانده آن را انبار می کنند و در فصل مناسب پدیهائی گرافسی می فروشند. چنین مردمی در طایفه های کشاورز انگشت شمارند و بیشتر، سرپرستان ایل و طایفه یا از خویشاوندان آنها می باشند.

دوم - آنها نیکه زمین کم و محصول کمتری دارند و پس از کتار گذاردن مصرف سالیانه خود بازمانده آن را به علافان شهر و بازار به نرخ روز می فروشند و پس از فراهم آوردن خواروبار و دیگر احتیاجات بکسالت زندگی، اگر پولی برایشان باقی ماند پس انداز می کنند. تعداد این گروه تقریباً یک سوم کشاورزان هر طایفه است.

سوم - آنها نیکه زمین ندارند و در کتار دیگران کار می کنند و سهم کارگری می گیرند. این دسته تقریباً دوسوم کشاورزان را تشکیل می دهند.

بیشتر دکانداران از مردم خوبی، ماکو، شاهپور، ترک-هروردم

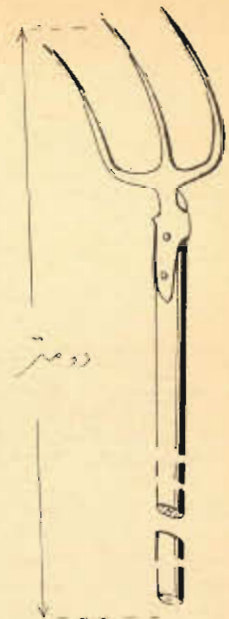
و در واقع هر که شایسته تر کاردان تر باشد به سرپرستی می رسد و نظراً و روستائیان نیز در انتخاب او نقش تعیین کننده ای دارد. آنها برای صدق ادعای خود از یکی دوبار اعتراض مردم که به برکناری یک سرپرست بر حال و انتخاب سرپرستی دیگر انجامیده است یاد می کنند.

### کشاورزی

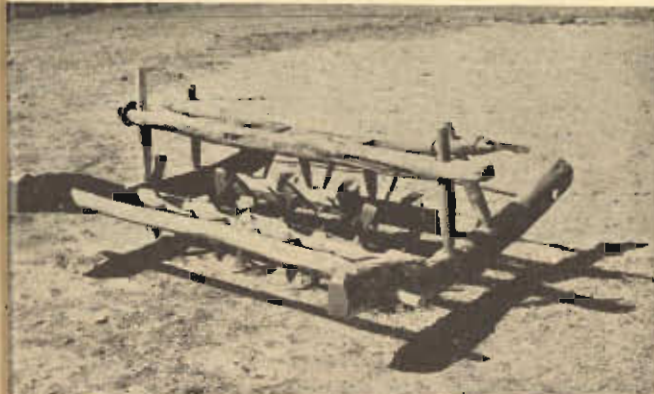
کشاورزی میلائسیها در کنار دامداری آنها تقریباً رشدی کرده و کسانی را به مال و سروری رسانیده است. این یکی از انگیزه های است که دامداران بزرگ را رفته رفته به زمینداری و زراعت و جویبان و گله داران کوچک را به دهقانی می کشاند. در روستاها - بجز یکی دو روستا - برای کشت و کار از وسایل قدیمی و اولیه کشاورزی استفاده می کنند.

با برجای ماندن وسایل ابتدائی کشاورزی در روستاهای میلائسی نشین دلایل چندی دارد که مهمترین آنها مالکیتهای کوچک و اجاره داری و کشت در پاره پاره زمینهای کوچکی از زمینهای بزرگ است. برای دوستی این نظر، به دو طایفه از ایل میلان، «کچالانو» و «مکانلو» و شیوه کارشان در کشاورزی اشاره می شود:

سرزمین این دو طایفه از نظر جغرافیائی طبیعی و جهات دیگر بهم شبیه ولی با اینحال در «قطور» که یکی از بزرگترین دهکده های مکانلونشین و پیرامون خوبی است و آب فراوان و زمین زراعتی وسیعی دارد، هنوز تراکتور و کمپاین و دیگر وسایل ماشینی کشاورزی راه نیافته است چرا که در آنجا



راست: چشکی به سادگی با آن گندمها را باد می‌دهند. چپ: «جسجر» که چرخ خرمن‌گویی



راست: رنج کوچ بیابان رسید و دامها به چرا رها شدند. چپ: ننگه خرمن است و این دامها اجرا بر گندمها



روش این سوداگران در برابر دهقانان نقش فعال دیگری هم دارد و آن پای گیر کردن دهقانان در دهکده‌هاست. دهقانی که در ابتدای ورود به دهکده می‌باشد فری است آزاد از همه قزارها و هر وقت که بخواهد می‌تواند به جایی دیگر برود. اکنون در بند دیگری گرفتار آمده است. نه برای آنرا دارد که بدی خود را یکجا بسوداگر و زمیندار بپردازد و بدون قرض و مساعدت گرفتن از آنها سالی را بگذراند و نه می‌تواند به دهکده‌های دیگر راهی شود.

اکنون پیش از آنکه نحوه کشت و کار شرح داده شود با چند اصطلاح کشاورزی میلاهای آشنا می‌شویم: «کشتن» - پاره زمینهای پیرامون ده را که در آن کشت می‌کنند و به نسبت وسعتشان برای آنها «حق‌آبه» در نظر می‌گیرند. «کشتن» می‌نامند.

«همیا» - پاره زمینی است از زمینهای ده یا حدود و حق‌آبه‌ی همین که یک خانوار در آن کار می‌کنند تا آنرا برای مالک زمین قابل کشت و کار کنند و خوششان نیز پس از پایان هر دو سهمی ببرند.

حق‌آبه‌ی را هم که از رودخانه و یا چشمه و کاریز دارند یا همیا می‌بینند، همانگونه که در برخی از جاهای دیگر

«سنگ» اندازه می‌گیرند.

روستایان دهکده‌هایی که در کنار رودخانه‌ها جا گرفته‌اند، زیاد در بند حق‌آبه هستند زیرا آب فراوان است و هر وقت که بخواهند می‌توانند، به اندازه لازم آب بگیرند.

میلاهای دو جور کشت دارند. کشت‌آبی و کشت دیمی. در کشت‌آبی، زمین و آب از زمیندار است و پدر و گاو و کار از برزگر. اگر زمین آماده باشد و آب به اندازه کافی داشته باشد، پس از درو دوسوم از محصول را برزگر و یک‌سوم را زمیندار بر می‌دارد. در زمینهایی که آب کم دارد و محصولی کم است، سه‌چهارم محصول را برزگر و یک‌چهارم آنرا زمیندار بر می‌دارد.

اما در زمینهای دیمی که فقط زمین از مالک است و تخم و گاو و کار از دهقان، یک‌پنجم محصول را مالک و چهارپنجم آنرا دهقان بر می‌دارد.

«روتک» نام بهترین گندمی است که در زمینهای آبی ایل میان عمل می‌آید و هر تخم تا دوازده تخم می‌دهد.

۱ - هنگامی که ایلیا و طایفه‌های غرب ایران مطالعه و بررسی می‌شد هنوز قانون و مقررات اصلاحات ارضی به تمام سرزمین آن منطقه راه نیافته بود.

گندمی را که در پاییز می‌کارند پالیزه و گندمی را که در اوایل آشفته می‌کارند بهاره می‌گویند. این هر دو گندم را در تابستان درو می‌کنند.

هوا که رو به گرمی رفت و ابرهای باران را از باران افتاد، آبیاری شروع می‌شود و دهقان تا اولین روزهای مرداد که فصل دروست، سبزه به فاصله‌های یکسان کشتزار را سیراب می‌کند. نیمه مرداد هنگام درو فسرا می‌رسد، آفتاب در اوج تاندگی است و گندمها آماده درو.

برزگر که دیگر انتظارش به سر رسیده است، با امیدی فراوان دست به کار درو می‌شود. چندان دستیار می‌گیرد و با آنها قرار می‌گذارد که مردشان را پس از درو به پول نقد بیاورند یا کشته بپردازد. برزگر و کارگرانش پس از قرار و مدار، هر روز در سر زمین آفتاب داسی به دست می‌گیرند و به کار درو می‌نشینند و ساقه‌های چیده شده را در کنار خود کتی می‌کنند. آفتاب که به زردی نشست و نسیم خنکی چهره صحرا و مزرعه را حالی دیگر داده، برزگران کمر راست می‌کنند و گدازه‌ها را که در خط مسیر کار خود بجای گذاشته‌اند، برویهم می‌انازند و بخرمنگاه می‌برند.

روزها پیریزی سری می‌شود و کشتزارها رفته رفته از

ساقه‌ها و خوشه‌ها برهنه می‌شود. برای کوبیدن خرمن یکمخت گاو به «جسجر» (چرخ خرمن‌گویی) می‌بندند و چنددوری گاوها، خنجر را به دور خرمن می‌گردانند تا دامها در زیر چرخ‌های چرخ خرمن‌گویی از ساقه‌ها جدا شود. پس از خرمن-کوبی، برزگر و دستیارانش، گندم کوبیده را با چنگکی سمشاخ باد می‌دهند، تا دامهای گندم بخوبی از ساقه‌ها پاک شود. دامهای جدا شده گندم را با «کند» پیانه می‌کنند و زمیندار و برزگر سهم خود را بر می‌دارد.

کاشتن و برداشتن جو مانند گندم است ولی آنرا چند روزی زودتر از گندم درو می‌کنند.

اوزان و مقادیر

- «جیرنیک» - کاسه‌ای است چوبین که گندم را با آن پیانه می‌کنند و ۴۰۰ گرم گندم در آن جای می‌گیرد.
- «کند» = ۸ کیلو = ۲۰ چرنیک.
- «سومار» = ۶۰ کد.
- «دوک» یا «بوک» = ۲ سومار.
- «چرت» = ۲۲ هفتال.
- «گیروانک» = ۴ چرت.
- «پوت» = ۴۰ چرت.



«گون» (سیاه چادر) پناهنگان  
تابستانی کوچندها

زمین رزائی را با «کد» اندازه می گیرند. به این معنی که معلوم باشد هر زمین چند «کد» بزر پاشی می شود.

#### دامداری و کوچ

دوماه که از بهار گذشت بخش بزرگی از دامداران ایل میلان، از دهکده های عشاقی، کنار جنوبی رود ارس و پیرامون خوی و ماکو و شاهپور و آگله و بنه، سواره و پیاده، بسوی بیلاقی برآه می افتند و اوایل تابستان به بیلاقی می رسند و با شوق رستن از رنج راه و دیدار سیزه زارهای پر پشت چراگاه، سیاه چادرها را برپا میکنند و سه ماه تمام در آنجا گله ها را می چرانند و در آخرین روزهای تابستان به قشلاق بازمیگردند.

میلانیهای که در ارس کنار می نشینند، سالهای زیادی است که زندگی شبانی را برمیاری چادرنشینی و دامداری مطلق رها کرده به بازارها راه یافته و پول را به ارزش واقعی آن شناخته اند. در مسیر کوچ به بیلاقی و قشلاق با سوداگران دهات سر راه کسبه هنگی ترافز باوند معامله میکنند، گوسفند و گاو می دهند و گوسفند و گاو و چیزهای دیگر میگیرند و از میانشان دامدارانی که رمعی بزرگتر دارند برای فروش گوسفند و گاو یا پوست و روده و شیره ها و دهکده های میروند که بازار پررفت و آمدی دارند. گاهی خریداران شهری به بیلاقی و یا قشلاق میروند و با زمداران معامله میکنند و در برابر خرید دامها پول نقد می دهند.

این کوچندگان دامدار، با زمین و زراعت هم آشنا شده اند و در زمینهای بیلاقی به اندازه مصرف یکساله خود بذر میکارند. زمینهای منطفه میلان نشین «ارس کنار» خشک و بی آب و هوایش در تابستانها سوزان است از این رو زراعت در آنجا بهره زیادی

ندارد. میلانی های پیرامون خوی و ماکو و شاهپور بیشتر از میلانی های «ارس کنار» به کشاورزی میپردازند و کمتر از آنها به دامداری. از کشاورزان دامدار، آنهاییکه زمینی و رزائی دارند در قشلاق میمانند و رعم خود را با چوپانی به بیلاقی میفرستند. دیگران که در قشلاق زمین زراعتی یا زمین کافی برای زراعت ندارند به بیلاقی می کوچند و در زمینهای بیلاقی کشاورزی میکنند. اینها معمولاً چند خانوارن از تیره یا طایفه خود را همیشه در بیلاقی میگذرانند تا بهنگام، زمین را شخم زنند و در آن بذر بپاشند و رو بر اهش کنند.

دامداران گوسفند، گاو، بز، گاو میش و اسب نگهداری میکنند.

چوپان روزی دوبار - ظهر و غروب - گوسفندان را برای دوشیدن به آب میآورد و پس از اینکه زنها شیر آنها را دوشیدند به چراگاه بازمیگرداند. معمولاً پدر در حیات خود تعدادی از رعم خانواده را بنا بر سستی که در امل تغییر ناپذیر است به سر می دهد تا چراغند. گله داران بزرگ معمولاً چوپانان را از میان خویشان و ندان خود انتخاب میکنند و به آنها مزدی بیشتر از چوپانان غریبه می دهند و مهریان ترند. چوپانان گوسفندان خود را که از بزرگتره یا به آنها مهارت رسیده است یا خود خریده اند، در میان رعمه ارباب میچرانند و به این ترتیب هم مزد چوپانی میگیرند و هم رفاه تره به تعداد گوسفندان خود میافزایند.

چوپان هر ساله به ارا، چرانیدن ۲۰ گوسفند يك «تقلی» (گوسفند یکساله) میگیرند و خوراکش را نیز با صاحب رعایت.

#### صنایع دستی

صنایع دستی در ایل میلان بیشتر به دام وابسته است.



چادر نشینان کوچنده سررشتهها در  
کنار سیاه چادرها برپا  
می شود

چادر نشینان کوچنده میلانی، در واقع مذهب را در ایمان به سادگی و بربر ایگی و نیاز به کوچ و چراگاه و عشق به طبیعت و خانواده یافته اند. ولی آنهایی که ده نشین شده اند، در انجام شعائر مذهبی کوشا تر و استوار ترند و در تدوین آیینی مسجدی ساختمان و ملامتی انتخاب کرده اند که مدام در کار تبلیغ مذهبی است و کارش زود می دارد.

میلانیها پشاه چراغ، خورشید پاک، نیک، نان و نیک و طلاق زن سوگند میخورند و سخت ترین و راست ترین سوگند آنها طلاق زن است.

آتش را از سایر چیزها پاکتر میدانند و پاشش میدانند و ریختن چیزهای پلید را در آن گناه میدانند. به زیارت گورهای میروند که در قلعه کوهها است و نام آنها را هم شنیده اند.

آب، بخنک و غول بیابانی را میشناسند و برای رهائی از جنگ آنها و دفع شرشان چاره هایی اندیشیده اند:

#### «کانگابوز» (بخنک)

کانگابوز موجودی است بزرگ و سنگین و سیاه و پشمالو. زیر ناخن شست دست راست او زخم است و از آن دودی سخت میخیزد. شهاب، بیابار پشت در اطاقی به انتظار می نشیند تا مزدی یا زنی خواب روده آنگاه بدون میروند. اگر در اطاق بسته باشد باریک میشود و از در در بدرون میخورد و خود را روی کسی که خوابیده است می اندازد، دهانش را به سوراخ بینی او میگذارد و مقداری از خونش را می مکد.

هر گاه بخنک از ده بیابار شود و خود را نیازد و شست زخمی بخنک را بگیرد و فشار دهد بخنک از درد نجات نمی آورد.

از پشم، حجاجیم، خورجین، نمد، جوراب، کلاه و دیگر چیزها و از موی بز سیاه چادر و مطاب و ریشمان میبافند از پوست، متنگ و پوستین و پاپوش میسازند.

گاه مقداری از این محصولات را به بازارها برای فروش میبرند.

میلانیها سیاه چادر را «گون» می نامند. سیاه چادرها بیشتر در بیلاقی برپا می شود. سیاه چادر را زنان از موی بز به رنگهای سیاه و قهوه ای سر میبافند.

چند دیرک بزرگ در میان و دیرکهای کوچک در گوشه و کنار، چادری را سرپا نگه میدارند. ریشانهایی گوشه ها و لبه های مطاق چادر را به میخهای چوبینی که در اطراف چادر در زمینی فرو رفته است متصل می کنند.

دورا دور یا نسوی چسبدر را با دیوارایی از حسیر به اندازه تقریبی یک متر و نیم میبوشانند تا از باد و گردوغبار جلوگیری کنند و سدی باشد برای دامهای از گله رنیده بی چوپان و مهار. قسمتی از درون چسبدر را برای نگهداری برده ها و نگهداشتن لبنیات و وسایل مربوط به اینچور کارها با پارچه ای به بندی نیم متر، از دیگر قسمتها جدا می کنند و آنرا «کلبین» می خوانند. کف چادر را از گلیم و «آمتی» که دست یافت زنی ایل است - میبوشانند و در گوشه های بر روی تخت چوبین رختخوابهای خاندها برپوش می دهند و یک دو گلیم هم بر روی آن می کشند. چادر خانواده سرپرستان و دامداران بزرگ ایل بزرگتر از چادر دیگران است.

#### مذهب و اعتقادات

میلانیها مسلمان و شافعی مذهبند.

و میگرد.

بخشش را کسی ندیدم است ولی تصویری از او در ذهن دارم  
و اشتهار میکند که جای پای برهنه او را دیدم اندک سکها  
ختم آورده و بران آنرا می‌بویند.  
برخی از میلانها معتقدند که برای مور کزین کالگاپور  
باید سوزنی در قلب او فرو برد یا این که دو تنگه آهن را بر هم  
کوبند.

### «الک» آل

«الک» پیرزشترونی است که برای بردن جگر زانو  
یا ورچین بهنگامه می‌آید. سنگهای به هنگامی که آل جگر زانو را  
میزند، دریس او میسوزد و پارس میکند - پاری که به زوزه  
کنند اگر گها میماند - آل، برای خاموش کردن سکها به پوزه  
هریک از آنها نفس می‌اندازد. آب دهان آل تلخ است و عویین  
سکها از بوی و مزه تلخ آب دهان آل خاموش میشوند و دستان را  
به پای یا می‌گیرند و به گوشه‌های می‌خزند. روز بعد زینک فروت  
زنی نوزاد زانو آل زده را بروی دست میگرد و پرویی  
تیش می‌رود و روی خود را به چهار سوی میکند و میگوید:  
«آل خشک زنی که جگرش را برده‌ی میخواند ریخت زبانی  
تورا بسند و گونه سرخ تورا بیوسد».  
هوا که تاریک شد زمان خویش و آشنای زانو پشت برده‌ی  
پنهان میشوند تا آل بهرام نسیم خنکی که بنزوان اطاق میوزد  
به اطاق آید و جگر زانو را باز آورد.

میلانها باور دارند که  
هرگاه بهنگام خنیر کردن آرد نکه‌های از خمیر به بیرون  
ببرد تعداد آن نکه‌ها میماند بجان یا جان خواهد آمد.  
اگر کسی لباسش را بشنود بیوشه فقیر میشود.  
هرگاه خروسی پیش یا پس از سحر گاه بانگ بر آورد  
بد شکون است و سزای این بانگ بی‌هنگام سرش را میبرد.  
در میان میلانها، بوم، چون سایر جاها بیک مرگ  
و بدبختی است و هرگاه بومی بر تپه‌ی مشرف به آبادی بخواند  
زین طایفه یا یکی از خویشانش میبرد.

### بزشکی علمبان

در دهکده‌های میلانی تین سبب دور افتادگی از شهرها  
و از دکتر و دارو نبودن و وسایل کافی، درمان دردها به حکیم -  
دشاهی محلی سیرد شده است این حکیم‌پاشیها همه کاره‌اند.  
دعا میکنند جن میگردند، دیوانه‌ها را با اوراد و طلسم شفا  
میبخشند و به داروهای گیاهی آشنایی دارند و شیوه‌ی بکار بردن

آنها را خوب میدانند. حتی است که برخی از این داروهای  
گیاهی تا حدی بیماری پاره‌ی از بیمار را بهبود میبخشد.  
اکنون چندان از گیاهان شفا بخش در زیر باد خواهد شد:  
«سو» جوشانده‌ی این گیاه برای رفع سمومیت نافع است.  
«گیل زرد» گل زرد گیاه است با برگهای پهن و برگه  
و گل‌های زرد زرد. برگه این گیاه برای بیم آممن برده‌ی و زخم  
بکار میرود.

«گیل‌هشین» این گیاه را در شیر می‌خیسند و بر روی  
سایرخم میگذارند و رویش را میسند.  
«گیل‌فکیرک» جوشانده این گیاه را به کسی که سوزا  
گرفته می‌نوشاند و تنگه آنرا بجای سونا می‌مانند.

### خوراکها

اگر از مردم اهل میلان پرسند که چند جور خوراک  
می‌یزند و می‌خورند، نام ده یا زده خوراک را می‌شمارند که  
بیشتر آنها همان خوراک مردم شهر است با همان شیوه‌ی پخت و پز.  
و انس با دریافتی درست یاد آور می‌شود که چند نشانیان  
و روستائیان ساده‌ترین و ارزاترین خوراکیها را می‌خورند.  
مگر چینی و عینی پیش‌یابد تا دود و دمی راه بیندازند و غذای  
کاملی بخورند.

در زیر سموع از خوراکیهای محلی آنها ذکر خواهد شد:  
«کنکدوش» - همان کنکدوش نهرانها و بعضی از  
شهرهای مرکزی است که از گندم، برنج، روغن، سبزیجات،  
انزبه و کنکد درست میشود.  
«کت» (کت) - همان که شهر به است که گاهی به آن  
ماش یا بلغور اضافه می‌کنند.  
«آوشور» - گوشت است و نمود لویا و ادویه و آب  
فراوان - خوراکی مثل آبگوشت.

### انواع نان

میلانها چهار جور نان می‌یزند و پختن آنها به جهده  
زنان است.  
۱ - نان سل - نانی است نازک و بیضی شکل که آن را  
روی ساج می‌یزند.  
۲ - «دشت‌نان» - از نان سل کلفتتر و کوچکتر است.  
۳ - نان شیر - خمیر این نان را با شیر به عمل می‌آورند.  
نانی است گرد و کلفت به اندازه گند است.  
۴ - «کنکور» - نان گرد و کلفتی است که به رویش روغن  
می‌مالند.



زنان، نازویی را نیز بهینه دارند



«الک» جلیقه زنانه

### پوشاک مردانه

«آی م» (آیسه): از پارچه فاستونی وشه به آرخالی  
دوخته می‌شود. دوطرفش بروی هم می‌آید و تا زیر گلو تنگه  
میخورد. در هوای گرم چندان از تنگه‌های پیش‌بینش را باز  
می‌کنند و دوطرف آنرا مانند پشه برگردان کت به دو سو  
بر می‌گردانند.

«شالی‌پشت» (شال‌گرم): از جیت بسا پارچه ایریشی  
گلداز است.

«شاپیک»: شلوار کردی.  
«ناین» (بلند شلوار): بلند شلوار را از پشت گوسفند  
می‌بافتند و منگوله‌های دوسر آنرا «فیشک» می‌نامند.  
«کنس» یا «کنتر» کلاهی است سبزی از پشم سفید  
بر. و به شکل مخروط ناقص که به دور آن دستمالی راه راه  
و ریشدار می‌بچسبند.  
«گو زریس» جورایی است شمی و بیشتر ساق بلند.  
«ساق» - نواری است بهن و بلند و پشمی که از حج تا  
زیر زانو می‌بچسبند.  
«چارقی» یا پوششی است از چرم گاو.

«دریس» - (زیرشلواری) از منقال یا پارچه‌های ارزان  
قیمت دوخته می‌شود.

«پیشک» جلیقه‌ای است از پشم شتر.  
امروزه بیشتر مردان میلانی پوشاک اجنبادی را کنار  
گذارده. کت و شلوار می‌پوشند و گاهی هم کلاه شاپو پسر  
می‌نهند.

### پوشاک زنانه

«کیراس» - پیراهنی است گشاد و بلند از پارچه جیت  
ویا ایریشی گلداز که پیش‌سینه آن تا زیر پستان چاک دارد.  
عمولاً زنان میلانی دوسه پیراهن درویم به تن می‌کنند.

«هوال» کیراس - شلوار گشاد و میجدار.  
«الک» - جلیقه.  
«پد» یا «دقک» پیراهنی است مخملی هم چون قبا.  
«برتر» (پیش‌بند).  
«شال‌پشت» (شال‌گرم): از پارچه ایریشی گلداز است.  
«دز مال» دستمال (روسری).  
«کنس» (کلاه).



میلابتیا از آنچه نامش «ادبیات عامیانه» است، به نوبه خود فراوان دارد و آنچه دارند چنان پخته و وسیع است که گویای گذران و شیوه زندگی و عواصن و پندارهای آشکار و نهان و برخورد آنها با رویدادها باشد.

ادبیات عامیانه که بر اساس پیش کلی مردم به زندگی، باورها و سنتهای آنها ساخته و پرداخته شده است، در هر کجای دنیا و در میان هر قوم و مذهب باشد، لغتهای شیرین و گیر است، بلکه واقعات تلخ و شیرین را در خود نهفته دارد که دریافت و عرضه کردن آنها به شناخت روح و اندیشه و زندگی آن مردم باری ارزنده می‌کند.

بنابر فراردهای مردم شناس روزگار ما، «قصه» نیز جزئی از ادبیات عامیانه شناخته شده است. شاید پارسی از قصه‌های رایج در میان قوم یا ملتی ساخته و پرداخته آن قوم و ملت نبوده و یا از ریشه قومی و ملی آنها مایه نگرفته و یا از قوم یا ملتی دیگر به آنها رسیده باشد و از اینجهت که موضوع و ماجرای قصه‌ها را نزدیک به آئینها و خولسته‌های خود دیدماند آنرا پندیده و پذیرا شده‌اند و با گذشت سالها و تغییر سلیقه، اندک دگرگونی‌ها را می‌پسندند و پیرایه‌های تازه‌ای به آن پسته‌اند. برسان سخن گفته نیز به این معنی راه برده و در مقایسه قصه‌های مردم کشورهای، شباهتهای زیادی میان بسیاری از آنها یافته‌اند.

اینک در زیر خلاصه‌ای قصه‌ی ازمیلابتیا را تعریف می‌کنیم: «محمد» خدمتگر ارخان حاکم است و به اجازت او دختری به نام «طلی» را به زنی می‌گیرد، مادر پیر و دم مرگ محمد از عرووش به خوبی نگهداری و پذیرائی می‌کند. محمد با حاکم قرار می‌گذارد که پس از عروسی او را به سفرهای دور و دراز نفرستد چرا که چندی هر سه با هم در کمال آسودگی و خوشی سپری کرده‌اند. سفرگاه پاشرووز آری، پسکی به درخانه محمد می‌آید و نامیدی از حاکم به او می‌دهد، محمد نامه را می‌خواند و به فکر فرو می‌رود. در نامه حاکم نوشته شده است که محمد هر چه زودتر خود را برای سفری طولانی به دیار دوری آماده کند.

محمد خشمگین می‌شود و بر پدری عهدشکنی حاکم را به زبان می‌آورد. مادر و زن به تلخی می‌گیرند، محمد بار سفر را می‌بندد و خداحافظی می‌کند و پستان می‌سازد را می‌بوسد و نگاهی پر از عشق و معنی به طلی می‌افکند و به چالاک بر روی آسی سفید می‌برد و همیش می‌کند و در میان گردوغبار راه پایدید می‌شود. محمد رفته است، مادر غم جانگامی را خوشه‌های دل می‌پرورد و در پایان هر نماز می‌گریه و برای سلامت محمد دعا می‌کند. طلی هر روز نزدیک خبر با شوقی ساختگی خود را می‌آراید و در کنار پنجره و به چادری نشیند و چشم به راه می‌دزد تا اگر محمد از راه برسد او را آفرسد.

ورنگه پریده نشیند. آفتاب که در پس افق خاکستری می‌نشیند و شب سیاه چادرها را برپا می‌کند، طلی سرخورده و دل‌مردمتر از پیش اشکش را به گونه‌ها می‌کشد. دو سال می‌گذرد و محمد خبری نمی‌شود. پشت مادر دوتا شده و چهره طلی را خطوط ناشی از اندوه شیار زده است. چهار تازه از راه رسیده است. مادر محمد پیش از آفتاب یکی از روزها خود را به کنار جوی آب می‌کشد تا وضو بسازد. صدای شیبه کوتاه آسی که در گوشه‌ی بسته شده است او را متوجه پیرامون اطلاق طلی می‌کند. آسی سفید که در سیدی مسیح خاکستری بینماید، در گوشه‌ی بسته شده است. ناگهان هزار اندیشه ناچا و ناروا هفت مادر را در زیر سلفه می‌گیرد. با خود می‌گوید پس بزرگها و زمره‌های شبانه او برای محمد نبود. حالا میدانم باین مردی که جای پدر دلیند مرا گرفته چه کنم. پیرزن تن و تنجور خود را به آشپزخانه می‌کشد و با دستی لرزان کارد بزرگی را بر میدارد و به آرامی به پشت در اطلاق طلی می‌رود. در را باز می‌کند و از آنچه می‌بیند خشمش تیزتر می‌شود. مردی در کنار طلی خوابیده و پاک دستش را زیر سر او نهاده است. پیرزن بیرونی می‌گیرد. وی ترسد و استوار پیش می‌رود و وحشیانه کارد را به عقب مرد خوابیده فرو می‌برد. مرد آهی می‌کند و می‌میرد. پیرزن پس از لغزش سر سینه به بیرون از خانه می‌رود و فریاد می‌کند:

«آهای مردم من فاسق عروسها کشتیم، من فاسق عروسها را کشتیم . . .»

این مرد که اکنون در دست مرگ و خون غنوده همان محمد است که نیمه شب گذشته از سفر بازآمده و چون نفوخته است که سر و صدائی راه بیاندازد و مادر بیزش را از خواب بیدار کند، یکسر به ستر طلی رفته است.

طلی در خواب و بیداری حس می‌کند که مایع گرم و لزجی به زیر تنش «نشت» میکند، به آرامی چشم می‌کشد همه چیز را در می‌یابد و در حالتی چون دیوانگان می‌پندارد که یکی از دشمنان سه کار محمد دست به پاین جنایت زده است. می‌درنگد کارد را از سینه محمد بیرون می‌کند و فریاد می‌گوید: «شوهر عزیزم پس از تو زندگی دیگر بگذرد نمی‌خورد.» سپس بوسه‌ی بی‌شائبی سرد محمد می‌زند و کارد را در عقب خود فرو می‌کند.

مردم به فریاد پیرزن از خانه بیرون می‌دزدند و چهارهو کتان به بالای سر محمد و طلی می‌روند و زن و شوهر را حرد و در خون غلطید می‌بینند.

حالا دیگر هوا روشن شده است و پیرزن به خوبی می‌تواند محمد را بشناسد و کارد را در سینه طلی بیند. ناگهان خنده و حشانه پیرزن نفسها را در سینه‌ها مهار می‌کند و پیش از آنکه مردم فرست به خود جنبند را بیابند. کارد را از سینه طلی بیرون می‌کند و به قلب خود فرو می‌کند.



۱

۲



۱- حردنقال سفید با گل قرمز مخلوط می‌نود. ۲- یک نوع مجسمه ارگل مخصوص که درون آن خالی شده است (کار چنگیز شیوق)  
۳- مجسمه دیگری که درون آن بر می‌آید و گل مخصوص در ساخت آن تکرار رفته است (کار چنگیز شیوق)

۳

## مجسمه ساز در سرامیک

بهی زواره‌ای

مجسمه‌گرد و نه آفتاب فایده مزایا پلاستیک (خاکهای چسبیده مثل رس) باشد که اصولاً امکان ساخت فراهم نگردد. در سنت و هر طرق مختلف برای تهیه گل مناسب بکار می‌رود و لیس در بحث ما پایه روی این اصل استوار است که در کارگاه کوچک تنها گل موجود باید همان گلی باشد که دستور ساخت آن در شماره‌های پیشین داده شد. بنابراین شما گل آماده‌ای دارید که مناسب برای کار با دست جهت ساختن اشیاء مختلف سرامیک است. پلاستیک آن تقریباً زیاد است و کاملاً نرم می‌باشد. برای تبدیل این گل به گل مناسب مجسمه‌سازی کارهای زیر را انجام دهید:

۱- مقداری سفال بدون لعاب (گل پخته) را انتخاب کرده و آنرا بکوبید و سپس با انگ نرم گرد سفال حاصله از کوبیدن را بگیرد. ذرات باقیمانده روی انگ را از الکهای با سوراخهای یک و دو و سه میلی‌متر عبور دهید و این سفالهای

ساختن مجسمه‌های کوچک در روشهای مختلف کار یا گل شرح داده شد و در این محث گنگو روی ساخت و پرداخت مجسمه‌ای نسبتاً بزرگ سرامیک می‌باشد. همانقدر که مجسمه‌ساز وقتی با سنگ مجسمه می‌سازد باید فنون سنگ‌راشی آشنا باشد و ابزار و آلات مربوط را بشناسد همان اندازه نیز مجسمه‌سازی با گل بدانش گل‌شناسی و گل‌سازی وابستگی در تکنیک کار را با گل احتیاج دارد. خواننده علاقمند می‌تواند با وقت در مطالب بعدی در صورت آشنائی بهتر مجسمه‌سازی بهترین آثار مجسمه را با گل بسازد.

گل مجسمه

روی ساختن مجسمه‌های بزرگ (بزرگتر از ۴۰ سانتی‌متر طول) باید توجه داشت که گل مسرفی باید دارای خواص ویژه باشد مثلاً نه آفتاب پلاستیک (چسبندگی و قابلیت شکل‌پذیری) داشته باشد که موجب ترک خوردگی گل حاصله از پرداخت



۴ - مجسمه‌ای توخالی با دسته جانی که از دو نوع گل مختلف ساخته شده است (کار منصوره حسینی)  
 ۵ - مجسمه بزرگ توخالی که از گل مخصوص ساخته شده و در ۱۳۰۰ درجه پخته شده است. (کار ثابت منجذی)  
 ۶ - مجسمه با سوراخهای متعدد که کار خشک شدن و پخت را آسان میکند. (کار بهمنی)

خرد شده را جدا از یکدیگر و یا ذکر اندازه دانها (مثلاً یا کمیلیستری و یا دو میلیستری) روی ظرف محتوی آن در کارگاه خود نگاه دارید.

۲ - مقداری از گل را بر میدارید و با دانهای سفال تهیه شده مخلوط مینمائید و مخلوط حاصل را خوب ورز میدهند. در این صورت است که گل شما برای ساختن مجسمه مناسب خواهد بود. نسبت خرد دانها به گل اضافه میشود بستگی بنوع کار و نوع گل دارد و اغلب از ۳۵ درصد وزن گل تجاوز نمی‌کند. افزایش خرد دانها برای ساختن مجسمه فواید بسیار دارد که بهترین آن ذکر میشود:

۱- از نظر فنی دانهای درشت سفال حالت اسفنجی شکل نه توده گل مجسمه مینهد و در موقع خشک شدن از ترک خوردن آن جلوگیری میکند.

۲- دانهای سفال به سرعت از محیط اطراف خود آب ذرات مرطوب خاک را جذب نموده و به سرعت در مجاورت هوای آزاد، آب خود را از دست مینهد و همین امر در خشک شدن

سریع مجسمه و آماده شدن آن برای پخت کمک مؤثری است. امتحان شده است که دو مجسمه مشابه که یکی با گل معمولی و دیگری با گل مخلوط با دان سفال ساخته شده بود علاوه بر آنکه اولی ترک برداشت ۸ روز دیرتر از دومی خشک و آماده پخت شد.

۳- از نظر هنری اگر دانهای سفال سفید (پنلچینی) و سفال قرمز (رسی) بکار رود باعث ترکیب و حالت مخصوص در سطح مجسمه بوجود می‌آورد که بسیار جالب است.

۴- زبری سطح مجسمه که باعث صرف دانهای سفال بوجود می‌آید یعنی اوقات برای مجسمه‌ساز حالت بسیار مناسب در آفرینش اثر هنری میباشد.

در صورتیکه مجسمه‌ساز بخواهد سطح مجسمه‌اش صاف و صیقلی باشد میتواند با بزوسهای نرم و سپس استنچ و سنباده سطح را از زبریهای ذرات سفال بزداورد.

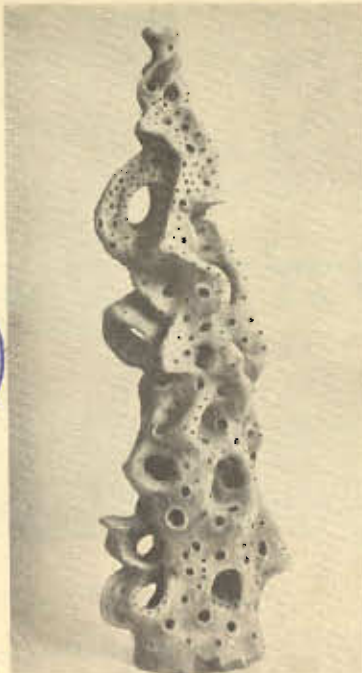
پس از آماده شدن گل مجسمه‌ساز بد ساختن مجسمه می‌پردازد



و چون در اینجا منظور مجسمه‌های بزرگ و کاملاً هنری میباشد ما بر این تکنیک کار همان تکنیک مجسمه سازی است و از بحث ما خارج میباشد فقط نکاتی که مربوط بفن سرامیک است در اینجا یادآوری میشود:

۱- پایه مجسمه باید روی مسطحاتی گچی گذارده شود که در موقع قل و انتقال پس از اتمام کار براحتی از سطح انتقال جدا شود ولی در ابتدا شروع کار باید مسطحاتی گچی را مرطوب بکنید تا از جذب سریع رطوبت گل جلوگیری نماید.

۲- از مصرف آرمان‌تورهای فلزی در داخل مجسمه خودداری نمائید زیرا فلزات در موقع پخت و دما حرارت کوره اسباب بیشتری از خاک پیدا میکنند و بحجم زیادی احتیاج دارند و همین امر باعث شکستن و ترک خوردن میشود. امروزه آرمان‌تورهای مناسبی از مواد ناپلونی ساخته شده است که در حرارت‌های پایین تجزیه شده و صورت گاز از منفذاتی که روی کار تمیبه میشود خارج میگردد و در صورتیکه چنین آرمان‌تورهایی در دسترس نبود می‌توانید با چوب برقع احتیاج نمائید.



۳- در صورتیکه مجسمه را با افزودن قطعات گل از پائین بالا میسازید و کار باید در چندین روز انجام گیرد دقت کنید که هیچگاه گلهای روزهای اول خشک نشود زیرا علاوه بر آنکه اتصال کامل قطعات بعضی ممکن نخواهد بود عدم تعادلی باعث غیریکدگی اجزای اشیا پس در خشک شدن اولیه و ثانویه بوجه می‌آید که موجب ترک خوردن مجسمه میشود.

۴- در صورتیکه مجسمه اجزاء نازکی دارد که از توده متراکم مجسمه (بدنه اصلی) فاصله میگیرد (مثل دست در حال حرکت)، در موقع ساخت باید دقت کنید که این اجزاء نیز مناسب و همراه با سایر اجزاء اصلی خشک شود تا موجب ترک خوردن گلی نگردد.

نکات دیگری در فن مجسمه‌سازی هست که عموماً مجسمه‌سازان بآن آشنایی دارند و از بحث ما خارج است با تلفیق تکنیک یادشده بالا و فن مجسمه‌سازی مجسمه‌های کامل از گل میتوان ساخت که نمونه‌هایی از آن را در عکسها ملاحظه مینمائید.



تصاویر شب

هنگامیکه آفتاب غروب میکند و چراغهای شهر روشن میگردد پیش از اینکه تاریکی بر همه جا مسلط شود در هوای دودی رنگ ، رنگهایی که ساعتی پیش درخشان بودند جلوهی خود را از دست میدهند و تقریباً همگام مانند عکس سیاهوسفید بنظر میرسند. در چنین موقعی اهمیت ارزش جزئیات و نقشهای اشیاء از بین میروند و هر چیزی مجبوعاً بشکل حجمهای بزرگ بنظر میرسد و از گوشه و کنار آثاری که شباهت زیادی بتصاویر تندسور دارد قد علم میکند و صحنههای جالب بوجود میآورد. و تشریحهای مغازهها، تابلوهای برقی، فوارههای نورانی، برف، باران، اسفالتهای خیس شده، آتش بازی، غیره و غیره... همگی آثاری هستند که ارزش عکاسی دارند و تصاویر جالب و زیبایی میتوان از آنها تهیه کرد.

آنچه که در مورد تمام چنین موضوعاتی باید در نظر گرفت اختلاف و تنوع (کثیر است) در میان لکههای سیاهوسفید و میزان شدت آنهاست. مثلاً اگر در برابرمان منظره‌ی خانه‌هایی که چراغهای آنها روشن است و از پنجره‌ها نور به بیرون مینماید از گرفتن عکس چنین منظره‌ی باید خودداری کرد. زیرا تصویریری که از آن بدست خواهد آمد مانند منحنی کاغذ سیاه خواهد بود که چند نقطه‌ی آنرا سوراخ کرده و بجایش کاغذ سفید چسبانیده باشند. در صورتیکه نواحی تیره عکس نمی‌باشند فقط سطحهای سیاه و خالی باشد بلکه لازم است جزئیاتی را



و برای عکاسی در شرایط نور کم و نامساعد نتایج بسیار خوب از آنها گرفته میشود.

شبها در کافه، رستوران، تئاتر، سیرک، سالن‌های ورزش و مسابقات و محل‌هایی نظیر آن موضوعات جالبی برای عکاسی میتوان پیدا کرد. در نمایشانی از قبیل بندبازی و ورقس و غیره که اشخاص با لباس‌های سفید در زیر نورافکنهای قوی قرار میگیرند با سرعت‌های خیلی زیاد (حتی با ساندن تاییه) امکان عکس گرفتن هست. آنچه که در این قبیل موضوعات اهمیت دارد انتخاب محل مناسب است برای نشستن که بهترین و مناسبترین آن رفیف اول کمی مشاییل بکنار میباشد.

در داخل خانه - گرچه نور لامپ‌های شش‌ساعته (بطوریکه سابقاً نیز توضیح داده شده لامپ‌های مخصوصی بنام Photo flood با نصف ولتاژ معمولی ساخته میشود - نوع ۱۱۰ ولت برای شهرهاییکه جریان برق آن ۲۲۰ ولت است و نوع ۵۵ ولت برای برقیهای ۱۱۰ ولت - که بعلاوه باین بویون ولت آنها نورشان قوی‌تر و سفیدتر است اما در عوض عمرشان بسیار کوتاه بوده حداکثر از شش ساعت تجاوز نمیکند) از لحاظ نور دادن و روشن ساختن موضوعات در داخل ساختمانها بسیار خوب میباشد. مهمانان نباید از نظر دور داشت که با فیلم‌های خیلی حساس با نور لامپ‌های معمولی نیز میتوان با سرعت‌های کافی از قبیل یکدهم تاییه عکاسی کرد. در این مواقع خاموش کردن چراغهای

(بزحمت) نشان دهد. این نقش‌ها و جزئیات برای اینکه در روی فیلم اثری از خود بگذارد و سپس بر روی کاغذ عکاسی منعکس گردد باید که در اصل و طبیعت بچشم قابل دیدن باشد.

فیلم‌های خیلی حساس که امروز در دسترس عموم قرار دارد عکس برداریهای شانه را با سرعت و دیافراگم کافی ممکن میسازد. اما بطوریکه اشاره شد تصاویری که در نواحی تاریک آن جزئیات و آثاری بچشم میخورد نسبت بعکس‌هاییکه فقط نتاوی از سیاهی‌ها و سفیدی‌هاست ترجیح دارد.

مواقع بارانی که در روز کمتر برای عکاسی مناسب است بر عکس شبها، با اسفالت و سنگفرشهای خیس و براق، بسیار جالب میباشد.

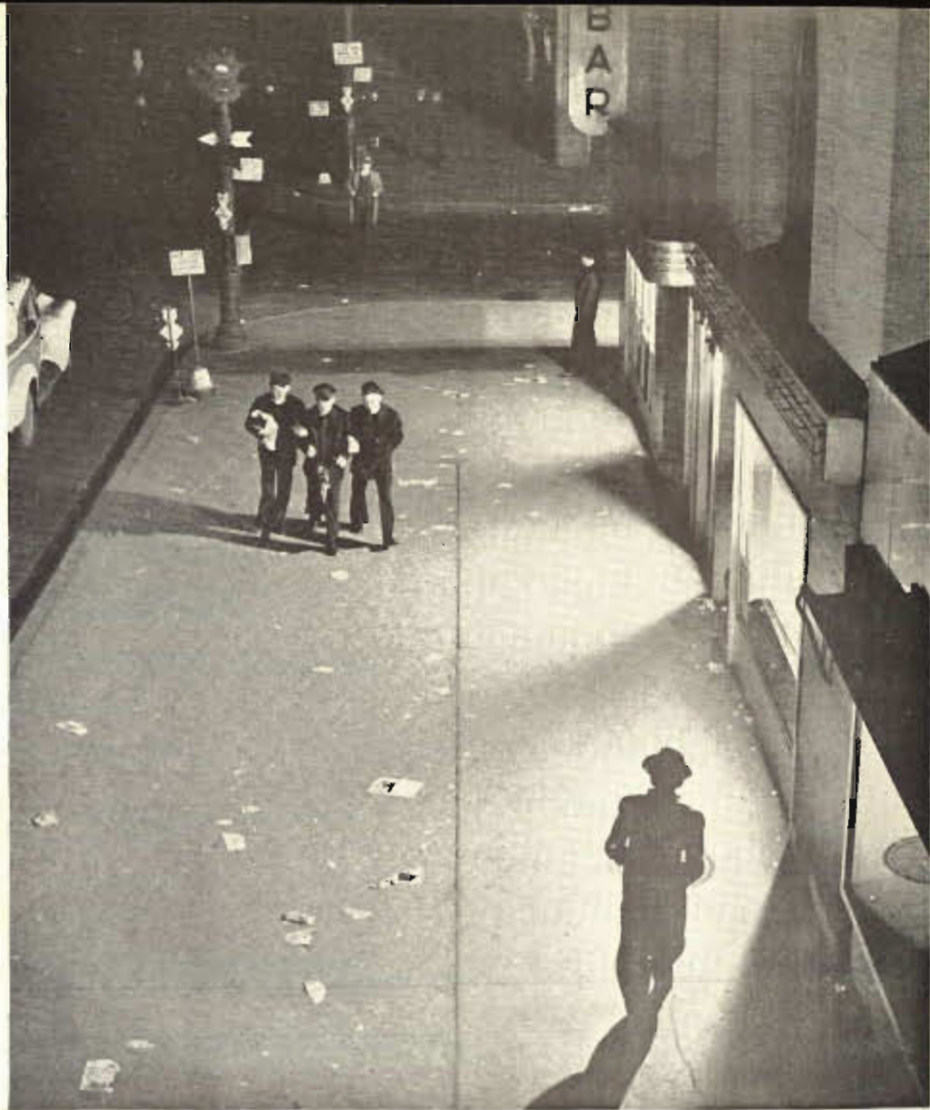
در خیابانها، مغازهها، کافهها، رستوران‌ها، صحنه‌های تئاتر و نظایر آن با فیلم‌هایی از قبیل آگفا ایزوپان رکورد - کدناک و روماسل ایکس‌پان براضی میتوان بنا سرعت‌های بیست و پنجم تا یکدهم تاییه عکس گرفت.

این فیلم‌ها چون فوق‌العاده قوی و حساس هستند لذا برای استفاده از آنها آگاهی و تسلط کامل لازم است و بطور کلی هنگام روز ابتدا نباید با آنها کار کرد. در ایران از این دو فیلم معمولاً هیچکدام پیدا نمیشود ولی دونوع دیگر که ضعیف‌تر ز آنها بوده اما بنوعی خود بسیار حساسند موجود است که یکی کدناک تری ایکس و دیگری آگفا ایزوپان اولترا میباشد

عکاسی



عادی



استفاده از فیلم‌های ضعیف (هفته دین - سهیل، A.S.A.) و فیلتر ضد اشعهی ماورا، بنفش U.V. ضروری است. در ساعات آخر روز فراموش نشود که با یکدرجه و درحالت‌های شدتور با دو درجه می‌افزایم بازتر باید کار کرد و آفتابگیر حتماً روی دوربین باشد. ماسک‌های کنار دریا نشدن عکاس و مخصوصاً دوربین است، از ریزترین سوراخها عبور میکند، بروی لژکیو و دوربین می‌نشیند، آنرا خط میانبازد و خراب میکند. رطوبت آنها باعث رنگزدگی و خراب شدن قسمت‌های مختلف دوربین میگردد. همین‌علت بهتر است آنرا در کبسه ناپلون نگهداشت و بحد امکان فقط در مواقع عکاسی از کبسه بیرون آورد.

\*\*\*

اینکه با دوربین‌ها، لژکیف‌ها، فیلم‌ها، فیلترها و دیگر لوازم عکاسی آشنا شده و از ملرز عکسبرداری موضوعات مختلف اطلاعات لازم اولیه را بدست آوردم مباحث مزبور را بدینجا خاتمه داده برای ظهور فیلم و چاپ و آگرا ندیسان عکس وارد تاریک‌خانه می‌شویم.

پس از پایان بحث مزبور بدعکاسی رنگین خواهیم پرداخت و بعد از آن مسائل فنی تر، علمی تر و هنری تر بیشتری را مطرح خواهیم ساخت و خوانندگان عزیز را در جریان آخرین اطلاعات و پیشرفت‌های این فن و هنر قرار خواهیم داد.

موجود نه تنها ازومی ندارد بلکه وجود آنها (چراغهای سقفی و آباژورها) محیطی گرم و سمیمی بوجود خواهند آورد. بدین ترتیب حتی اگر نور چراغهای عکاسی کافی باشد، از خاموش کردن چراغهای اطالی و سان باید خودداری کرد و حتی گاهی برای اینکه اثر روشنایی را که از لامپ خانگی بخش میشود بهتر نشان دهد جای آنرا با لامپ قوی عکاسی عوض میکنند.

برای عکاسی در نور چراغهای خانگی حتماً از نورسبج خوب و حساس برای محاسبه نور باید استفاده کرد و چون نور این لامپها نسبت بنور لامپ‌های «شش‌ساعتی» کمتر در روی نورسبج تأثیر میکند لذا از آنچه که نشان میدهد بهتر است می‌افزایم را یکدرجه بیشتر باز کرد.

بالاخره در جاهاییکه نور طبیعی روز وجود نداشته و دسترس بجریان برقی جهت روشن کردن لامپ نیست تنها وسیله‌ای ایجاد نور فلاش است که از قلهی کوهها تا اعماق زمین و دریا به بقدر کافی نور در اختیار عکاسی میگذازد.

کنار دریا هنگام تابستان کنار دریا یکی از نقاطی است که بیش از همه قابل عکس گرفتن میباشد. در اینجا همایشد که موضوعات جالب و متنوع زیاد است نور نیز شدید و قوی میباشد و مخصوصاً اشعهی ماورا بنفش (اولترایویوله) بحد و قوت است. از اینرو